

1 [یک]

اشخاص/مردم



Wikipedia - انگلیسی

1 [one]

People

نشان دادن و پنهان با کلیک بر روی متن

I من

I and you من و تو

both of us هر دوی ما

he او (مرد)

he and she آن مرد و آن زن

they both هر دوی آنها

the man آن مرد

the woman آن زن

the child آن کودک

a family یک خانواده

my family خانواده من

My family is here. خانواده من اینجا است.

I am here. من اینجا هستم.

You are here. تو (مرد) اینجا ای / تو (زن) اینجا ای.

He is here and she is here. آن مرد اینجا است و آن زن اینجا است.

We are here. ما اینجا هستیم.

You are here. شما اینجا هستید.

They are all here. همه آنها اینجا هستند.

2 [دو]

خانواده



Poster series LEARN ENGLISH - LERN DEUTSCH

2 [two]

Family Members

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

the grandfather پدربزرگ

the grandmother مادربزرگ

he and she او (پدربزرگ) و او (مادربزرگ)

the father پدر

the mother مادر

he and she او (پدر) و او (مادر)

the son پسر

the daughter دختر

he and she او (پسر) و او (دختر)

the brother برادر

the sister خواهر

he and she او (برادر) و او (خواهر)

the uncle عمو، دایی

the aunt عمه، خاله

he and she او (عمو، دایی) و او (عمه، خاله)

We are a family. ما یک خانواده هستیم.

The family is not small. این خانواده کوچک نیست.

The family is big. این خانواده بزرگ است.

3 [سه]

آشنا شدن



3 [three]

Getting to know others

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Hi سلام ▶

Hello! روز بخیر! ▶

How are you? حالت چطوره؟ / چطوری ▶

Do you come from Europe? شما از اروپا می‌آیید؟ ▶

Do you come from America? شما از آمریکا می‌آیید؟ ▶

Do you come from Asia? شما از آسیا می‌آیید؟ ▶

In which hotel are you staying? در کدام هتل اقامت دارید؟ ▶

How long have you been here for? چقدر از اقامتتان در اینجا می‌گذرد؟ ▶

How long will you be staying? چقدر اینجا می‌مانید؟ ▶

Do you like it here? از اینجا خوشتان می‌آید؟ ▶

Are you here on vacation? برای مسافرت اینجا هستید؟ / در تعطیلات هستید؟ ▶

Please do visit me sometime! سری به من بزنید! ▶

Here is my address. این آدرس من است. ▶

Shall we see each other tomorrow? فردا همدیگر را می‌بینیم؟ ▶

I am sorry, but I already have plans. متأسفم، من کار دارم. ▶

Bye! خداحافظ! ▶

Good bye! خدا نگهدار! ▶

See you soon! تا بعد! ▶

4 [چهار]

در مدرسه



4 [four]

At school

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Where are we? ما کجا هستیم؟ ▶

We are at school. ما در مدرسه هستیم. ▶

We are having class / a lesson. ما کلاس داریم. ▶

Those are the school children. اینها دانش آموزان کلاس هستند. ▶

That is the teacher. این خاتم معلم است. ▶

That is the class. این کلاس است. ▶

What are we doing? چکار کنیم؟ ▶

We are learning. ما درس می خوانیم. ▶

We are learning a language. ما زبان یاد می گیریم. ▶

I learn English. من انگلیسی یاد می گیرم. ▶

You learn Spanish. تو اسپانیایی یاد می گیری. ▶

He learns German. او (مرد) آلمانی یاد می گیرد. ▶

We learn French. ما فرانسوی یاد می گیریم. ▶

You all learn Italian. شما ایتالیایی یاد می گیرید. ▶

They learn Russian. آنها روسی یاد می گیرند. ▶

Learning languages is interesting. یادگیری زبان، کار جالبی است. ▶

We want to understand people. ما می خواهیم حرفهای مردم را بفهمیم. ▶

We want to speak with people. ما می خواهیم با مردم صحبت کنیم. ▶



5 [پنج]

کشورها و زبانها



5 [five]

Countries and Languages

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

John is from London. جان اهل لندن است.

London is in Great Britain. لندن در انگلستان است.

He speaks English. او (مرد) انگلیسی صحبت می‌کند.

Maria is from Madrid. ماریا اهل مادرید است.

Madrid is in Spain. مادرید در اسپانیا است.

She speaks Spanish. او اسپانیایی صحبت می‌کند.

Peter and Martha are from Berlin. پیتر و مارثا اهل برلین هستند.

Berlin is in Germany. برلین در آلمان است.

Do both of you speak German? هر دوی شما آلمانی صحبت می‌کنید؟

London is a capital city. لندن یک پایتخت است.

Madrid and Berlin are also capital cities. مادرید و برلین هم پایتخت هستند.

Capital cities are big and noisy. شهرهای پایتخت، بزرگ و پرسروصدا هستند.

France is in Europe. فرانسه در اروپا است.

Egypt is in Africa. مصر در آفریقا است.

Japan is in Asia. ژاپن در آسیا است.

Canada is in North America. کانادا در آمریکای شمالی است.

Panama is in Central America. پاناما در آمریکای مرکزی است.

Brazil is in South America. برزیل در آمریکای جنوبی است.

6 [شش]

خواندن و نوشتن



6 [six]

Reading and writing

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I read. من می‌خوانم.

I read a letter (character). من یک حرف الفبا را می‌خوانم.

I read a word. من یک کلمه را می‌خوانم.

I read a sentence. من یک جمله را می‌خوانم.

I read a letter. من یک نامه را می‌خوانم.

I read a book. من کتاب می‌خوانم.

I read. من می‌خوانم.

You read. تو می‌خوانی.

He reads. او (مرد) می‌خواند.

I write. من می‌نویسم.

I write a letter (character). من یک حرف الفبا را می‌نویسم.

I write a word. من یک کلمه را می‌نویسم.

I write a sentence. من یک جمله را می‌نویسم.

I write a letter. من یک نامه می‌نویسم.

I write a book. من یک کتاب می‌نویسم.

I write. من می‌نویسم.

You write. تو می‌نویسی.

He writes. او (مرد) می‌نویسد.

7 [هفت]

اعداد



7 [seven]

Numbers

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

count | من می‌شمارم:

one, two, three یک، دو، سه

count to three | من تا سه می‌شمارم.

count further | من بیشتر می‌شمارم:

four, five, six, چهار، پنج، شش،

seven, eight, nine هفت، هشت، نه،

count | من می‌شمارم.

You count. تو می‌شماری.

He counts. او (مرد) می‌شمارد.

One. The first. یک، اول.

Two. The second. دو، دوم.

Three. The third. سه، سوم.

Four. The fourth. چهار، چهارم.

Five. The fifth. پنج، پنجم.

Six. The sixth. شش، ششم.

Seven. The seventh. هفت، هفتم.

Eight. The eighth. هشت، هشتم.

Nine. The ninth. نه، نهم.

8 [هشت]

ساعت روز



8 [eight]

The time

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Excuse me! معذرت می‌خواهم!

What time is it, please? ساعت چند است؟

Thank you very much. بسیار سپاسگزارم / خیلی ممنون.

It is one o'clock. ساعت یک است.

It is two o'clock. ساعت دو است.

It is three o'clock. ساعت سه است.

It is four o'clock. ساعت چهار است.

It is five o'clock. ساعت پنج است.

It is six o'clock. ساعت شش است.

It is seven o'clock. ساعت هفت است.

It is eight o'clock. ساعت هشت است.

It is nine o'clock. ساعت نه است.

It is ten o'clock. ساعت ده است.

It is eleven o'clock. ساعت یازده است.

It is twelve o'clock. ساعت دوازده است.

A minute has sixty seconds. یک دقیقه شصت ثانیه است.

An hour has sixty minutes. یک ساعت شصت دقیقه است.

A day has twenty-four hours. یک روز بیست و چهار ساعت است.



9 [نه]

روزهای هفته



9 [nine]

Days of the week

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Monday دوشنبه

Tuesday سه شنبه

Wednesday چهارشنبه

Thursday پنجشنبه

Friday جمعه

Saturday شنبه

Sunday یکشنبه

the week هفته

from Monday to Sunday از دوشنبه تا یکشنبه

The first day is Monday. اولین روز دوشنبه است.

The second day is Tuesday. دومین روز سه شنبه است.

The third day is Wednesday. سومین روز چهارشنبه است.

The fourth day is Thursday. چهارمین روز پنجشنبه است.

The fifth day is Friday. پنجمین روز جمعه است.

The sixth day is Saturday. ششمین روز شنبه است.

The seventh day is Sunday. هفتمین روز یکشنبه است.

The week has seven days. هفته هفت روز دارد.

We only work for five days. ما فقط پنج روز کار می‌کنیم.

10 [د]

دیروز - امروز - فردا



10 [ten]

Yesterday - today - tomorrow

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Yesterday was Saturday. دیروز شنبه بود.

I was at the cinema yesterday. دیروز من سینما بودم.

The film was interesting. فیلم جالبی بود.

Today is Sunday. امروز یکشنبه است.

I'm not working today. امروز کار نمی‌کنم.

I'm staying at home. امروز در خانه می‌مانم (هستم).

Tomorrow is Monday. فردا دوشنبه است.

Tomorrow I will work again. فردا دوباره کار می‌کنم.

I work at an office. من در اداره کار می‌کنم.

Who is that? این کیست؟

That is Peter. این پیتر است.

Peter is a student. پیتر دانشجو است.

Who is that? این کیست؟

That is Martha. این مارتا است.

Martha is a secretary. مارتا منشی است.

Peter and Martha are friends. پیتر و مارتا با هم دوست هستند.

Peter is Martha's friend. پیتر دوست پسر مارتا است.

Martha is Peter's friend. مارتا دوست دختر پیتر است.

11 [یازده]

ماهها



11 [eleven]

Months

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

January ژانویه

February فوریه

March مارس

April آوریل

May مه

June ژوئن

These are six months. اینها شش ماه هستند.

January, February, March, ژانویه، فوریه، مارس،

April, May and June. آوریل، مه، ژوئن.

July ژوئیه

August آگوست (اوت)

September سپتامبر

October اکتبر

November نوامبر

December دسامبر

These are also six months. اینها هم شش ماه هستند.

July, August, September, ژوئیه، آگوست، سپتامبر،

October, November and December. اکتبر، نوامبر، دسامبر.

12 [نوازده]

نوشیدنیها



12 [twelve] ▶

Beverages ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I drink tea. من چای می‌نوشم.

I drink coffee. من قهوه می‌نوشم.

I drink mineral water. من آب معدنی می‌نوشم.

Do you drink tea with lemon? تو چای را با لیمو می‌نوشی؟

Do you drink coffee with sugar? تو قهوه را با شکر می‌نوشی؟

Do you drink water with ice? تو آب را با یخ می‌نوشی؟

There is a party here. اینجا یک مهمانی است.

People are drinking champagne. مردم شامپاین می‌نوشند.

People are drinking wine and beer. مردم شراب و آبجو می‌نوشند.

Do you drink alcohol? تو الکل می‌نوشی؟

Do you drink whisky / whiskey (am.)? تو ویسکی می‌نوشی؟

Do you drink Coke with rum? تو نوشابه را با رام می‌نوشی؟

I do not like champagne. من شامپاین دوست ندارم.

I do not like wine. من شراب دوست ندارم.

I do not like beer. من آبجو دوست ندارم.

The baby likes milk. بچه شیر دوست دارد.

The child likes cocoa and apple juice. بچه کاکائو و آب سیب دوست دارد.

The woman likes orange and grapefruit juice. آن ختم آب پرتقال و آب گریپ فروت دوست دارد.







◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

What does Martha do? مارثا چکار می‌کند؟ ▶

She works at an office. او در اداره کار می‌کند. ▶

She works on the computer. او با کامپیوتر کار می‌کند. ▶

Where is Martha? مارثا کجاست؟ ▶

At the cinema. در سینما. ▶

She is watching a film. او فیلم تماشا می‌کند. ▶

What does Peter do? پیتر چکار می‌کند؟ ▶

He studies at the university. او در دانشگاه تحصیل می‌کند. ▶

He studies languages. او در رشته زبان درس می‌خواند. ▶

Where is Peter? پیتر کجاست؟ ▶

At the café. در کافه. ▶

He is drinking coffee. او (مرد) قهوه می‌نوشد. ▶

Where do they like to go? کجا دوست دارند بروند؟ ▶

To a concert. به کنسرت. ▶

They like to listen to music. آنها دوست دارند موسیقی گوش کنند. ▶

Where do they not like to go? آنها کجا دوست ندارند بروند؟ ▶

To the disco. به دیسکو. ▶

They do not like to dance. آنها دوست ندارند برقصند. ▶

14 [چهارده]

رنگ ها



14 [fourteen]

Colors

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Snow is white. برف سفید است.

The sun is yellow. خورشید زرد است.

The orange is orange. پرتقال نارنجی است.

The cherry is red. گیلاس قرمز است.

The sky is blue. آسمان آبی است.

The grass is green. چمن سبز است.

The earth is brown. خاک قهوه ای است.

The cloud is grey / gray (am.). ابر خاکستری است.

The tyres / tires (am.) are black. لاستیک خودروها سیاه است.

What colour / color (am.) is the snow? White. برف چه رنگی است؟ سفید.

What colour / color (am.) is the sun? Yellow. خورشید چه رنگی است؟ زرد.

What colour / color (am.) is the orange? Orange. پرتقال چه رنگی است؟ نارنجی.

What colour / color (am.) is the cherry? Red. گیلاس چه رنگی است؟ قرمز.

What colour / color (am.) is the sky? Blue. آسمان چه رنگی است؟ آبی.

What colour / color (am.) is the grass? Green. علف چه رنگی است؟ سبز.

What colour / color (am.) is the earth? Brown. خاک چه رنگی است؟ قهوه ای.

What colour / color (am.) is the cloud? Grey / Gray (am.). ابر چه رنگی است؟ خاکستری.

What colour / color (am.) are the tyres / tires (am.)? Black. لاستیک خودروها چه رنگی است؟ سیاه.

15 [پانزده]

میوه‌ها و مواد غذایی



15 [fifteen]

Fruits and food

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I have a strawberry. من یک توت فرنگی دارم.

I have a kiwi and a melon. من یک کیوی و یک خربزه دارم.

I have an orange and a grapefruit. من یک پرتقال و یک گریپ فروت دارم.

I have an apple and a mango. من یک سیب و یک انبه دارم.

I have a banana and a pineapple. من یک موز و یک آناناس دارم.

I am making a fruit salad. (دارم) سالاد میوه درست می‌کنم.

I am eating toast. من نان تست می‌خورم.

I am eating toast with butter. من نان تست با کره می‌خورم.

I am eating toast with butter and jam. من نان تست با کره و مربا می‌خورم.

I am eating a sandwich. من ساندویچ می‌خورم.

I am eating a sandwich with margarine. من ساندویچ با مارگارین می‌خورم.

I am eating a sandwich with margarine and tomatoes. من ساندویچ با مارگارین و گوجه فرنگی می‌خورم.

We need bread and rice. ما نان و برنج لازم داریم.

We need fish and steaks. ما ماهی و استیک لازم داریم.

We need pizza and spaghetti. ما پیتزا و اسپاگتی لازم داریم.

What else do we need? دیگر چی لازم داریم؟

We need carrots and tomatoes for the soup. ما برای سوپ، هویج و گوجه فرنگی لازم داریم.

Where is the supermarket? سوپرمارکت کجاست؟



16 [شانزده]

فصل های سال و آب و هوا



16 [sixteen]

Seasons and Weather

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

These are the seasons: این ها فصل های سال هستند:

Spring, summer, بهار، تابستان،

autumn / fall (am.) and winter. پاییز و زمستان.

The summer is warm. تابستان گرم است.

The sun shines in summer. در تابستان خورشید می درخشد.

We like to go for a walk in summer. در تابستان دوست داریم پیاده روی کنیم.

The winter is cold. زمستان سرد است.

It snows or rains in winter. در زمستان برف یا باران می بارد.

We like to stay home in winter. در زمستان دوست داریم در خانه بمانیم.

It is cold. هوا سرد است.

It is raining. باران می بارد.

It is windy. باد می وزد.

It is warm. هوا گرم است.

It is sunny. هوا آفتابی است.

It is pleasant. هوا صاف است.

What is the weather like today? هوا امروز چگونه است؟

It is cold today. امروز سرد است.

It is warm today. امروز گرم است.





◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Our house is here. اینجا خانه ما است.

The roof is on top. بالا پشت بام است.

The basement is below. پائین زیر زمین است.

There is a garden behind the house. پشت خانه یک باغ است.

There is no street in front of the house. جلوی خانه هیچ خیابانی نیست.

There are trees next to the house. درختانی در کنار خانه هست.

My apartment is here. آپارتمان من اینجا است.

The kitchen and bathroom are here. اینجا آشپزخانه و حمام است.

The living room and bedroom are there. آنجا اتاق نشیمن و اتاق خواب است.

The front door is closed. درب خانه (درب اصلی) بسته است.

But the windows are open. اما پنجره‌ها باز هستند.

It is hot today. امروز خیلی گرم است.

We are going to the living room. ما به اتاق نشیمن می‌رویم.

There is a sofa and an armchair there. یک کاناپه و یک میل آنجا است.

Please, sit down! بفرمایید!

My computer is there. کامپیوتر من آنجا است.

My stereo is there. دستگاه استریوی من آنجا است.

The TV set is brand new. تلویزیون کاملاً نو است.

18 [هجده]

نظافت خانه



18 [eighteen]

House cleaning

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Today is Saturday. امروز شنبه است.

We have time today. ما امروز وقت داریم.

We are cleaning the apartment today. امروز آپارتمان را تمیز می‌کنیم.

I am cleaning the bathroom. من حمام را تمیز می‌کنم.

My husband is washing the car. شوهرم اتومبیل را می‌شوید.

The children are cleaning the bicycles. بچه‌ها دوچرخه‌ها را تمیز می‌کنند.

Grandma is watering the flowers. مادربزرگ به گلها آب می‌دهد.

The children are cleaning up the children's room. بچه‌ها اتاقشان را تمیز می‌کنند.

My husband is tidying up his desk. شوهرم میز تحریرش را مرتب می‌کند.

I am putting the laundry in the washing machine. من لباسها را درون ماشین لباس شویی می‌گذارم.

I am hanging up the laundry. من لباسها را آویزان می‌کنم.

I am ironing the clothes. من لباسها را اتو می‌کنم.

The windows are dirty. پنجره‌ها کثیف هستند.

The floor is dirty. کف اتاق کثیف است.

The dishes are dirty. ظرفها کثیف است.

Who washes the windows? کی پنجره‌ها را تمیز می‌کند؟

Who does the vacuuming? کی جارو می‌کند؟

Who does the dishes? کی ظرفها را می‌شوید؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Do you have a new kitchen? تو یک آشپزخانه جدید داری؟

What do you want to cook today? امروز چی می‌خواهی بپزی؟

Do you cook on an electric or a gas stove? تو با اجاق برقی یا اجاق گاز غذا می‌پزی؟

Shall I cut the onions? پیازها را قاج کنم؟

Shall I peel the potatoes? سیب زمینی‌ها را پوست بکنم؟

Shall I rinse the lettuce? کاهو را بشویم؟

Where are the glasses? لیوانها کجاست؟

Where are the dishes? ظرفها کجاست؟

Where is the cutlery / silverware (am.)? قاشق و چنگال و کارت کجا هستند؟

Do you have a tin opener / can opener (am.)? قوطی بازکن داری؟

Do you have a bottle opener? درب بازکن بطری داری؟

Do you have a corkscrew? چوب پنبه کش داری؟

Are you cooking the soup in this pot? توی این قابلمه سوپ می‌پزی؟

Are you frying the fish in this pan? ماهی را توی این ماهی تابه سرخ می‌کنی؟

Are you grilling the vegetables on this grill? تو سبزی را با گریل کباب می‌کنی؟

I am setting the table. من میز را می‌چینم.

Here are the knives, the forks and the spoons. چنگال و قاشق‌ها اینجا هستند.

Here are the glasses, the plates and the napkins. لیوانها، بشقابها و دستمال سفره‌ها اینجا هستند.



20 [بیست]

گفتگوی کوتاه 1



20 [twenty]

Small Talk 1

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Make yourself comfortable! راحت باشید!

Please, feel right at home! منزل خودتان است.

What would you like to drink? چه میل دارید بنوشید؟

Do you like music? موسیقی دوست دارید؟

I like classical music. من موسیقی کلاسیک دوست دارم.

These are my CD's. اینها سی دی های من هستند.

Do you play a musical instrument? شما ساز می‌زنید؟

This is my guitar. این گیتار من است.

Do you like to sing? شما دوست دارید آواز بخوانید؟

Do you have children? شما بچه دارید؟

Do you have a dog? شما سگ دارید؟

Do you have a cat? شما گربه دارید؟

These are my books. اینها کتاب های من هستند.

I am currently reading this book. من الان دارم این کتاب را می‌خوانم.

What do you like to read? دوست دارید چیزی بخوانید؟

Do you like to go to concerts? دوست دارید به کنسرت بروید؟

Do you like to go to the theatre / theater (am.)? دوست دارید به تئاتر بروید؟

Do you like to go to the opera? دوست دارید به اپرا بروید؟



21 [بیست و یک]

گفتگوی کوتاه 2



21 [twenty-one] ▶

Small Talk 2 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Where do you come from? شما از کجا می‌آیید؟ ▶

From Basel. از بازل. ▶

Basel is in Switzerland. بازل در سوئیس است. ▶

May I introduce Mr. Miller? می‌توانم آقای مولر را به شما معرفی کنم؟ ▶

He is a foreigner. او خارجی است. ▶

He speaks several languages. او به چندین زبان صحبت می‌کند. ▶

Are you here for the first time? شما برای اولین بار اینجا هستید؟ ▶

No, I was here once last year. نه، من سال گذشته هم اینجا بودم. ▶

Only for a week, though. اما فقط یک هفته. ▶

How do you like it here? از اینجا خوشتان می‌آید؟ ▶

A lot. The people are nice. خیلی خوب است. مردم خیلی مهربان هستند. ▶

And I like the scenery, too. و از مناظر اینجا هم خوشم می‌آید. ▶

What is your profession? شغل شما چیست؟ ▶

I am a translator. من مترجم هستم. ▶

I translate books. من کتاب ترجمه می‌کنم. ▶

Are you alone here? شما اینجا تنها هستید؟ ▶

No, my wife / my husband is also here. نه، خانم / شوهرم هم اینجا است. ▶

And those are my two children. و آنها هم دو فرزند من هستند. ▶

22 [بیست و دو]

گفتگوی کوتاه 3



22 [twenty-two] ▶

Small Talk 3 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Do you smoke? شما سیگار می‌کشید؟ ▶

I used to. در گذشته، بله. ▶

But I don't smoke anymore. اما حالا دیگر سیگار نمی‌کشم. ▶

Does it disturb you if I smoke? اذیت می‌شود اگر من سیگار بکشم؟ ▶

No, absolutely not. نه، مطلقاً نه. ▶

It doesn't disturb me. من را ناراحت نمی‌کند. ▶

Will you drink something? شما چیزی می‌نوشید؟ ▶

A brandy? یک گیناس کنیاک؟ ▶

No, preferably a beer. نه، ترجیح می‌دهم آبجو بنوشم. ▶

Do you travel a lot? شما زیاد مسافرت می‌کنید؟ ▶

Yes, mostly on business trips. بله، البته اکثراً سفرهای کاری است. ▶

But now we're on holiday. اما حالا اینجا تعطیلاتمان را می‌گذرانیم. ▶

It's so hot! اینجا چقدر گرم است. ▶

Yes, today it's really hot. بله امروز واقعاً خیلی گرم است. ▶

Let's go to the balcony. برویم روی بالکن. ▶

There's a party here tomorrow. فردا اینجا یک مهمانی برگزار می‌شود. ▶

Are you also coming? شما هم می‌آیید؟ ▶

Yes, we've also been invited. بله، ما هم دعوت شده ایم. ▶

23 [بیست و سه]

یادگیری زبانهای خارجی



23 [twenty-three]

Learning foreign languages

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Where did you learn Spanish? شما کجا اسپانیایی یاد گرفتید؟ ▶

Can you also speak Portuguese? پرتهالی هم بلدید؟ ▶

Yes, and I also speak some Italian. بله، کمی ایتالیایی هم بلدم. ▶

I think you speak very well. به نظر من شما خیلی خوب صحبت می‌کنید. ▶

The languages are quite similar. این زبان ها خیلی شبیه هم هستند. ▶

I can understand them well. من آنها (زبانها) را خوب متوجه می‌شوم. ▶

But speaking and writing is difficult. اما صحبت کردن و نوشتن مشکل است. ▶

I still make many mistakes. من هنوز خیلی اشتباه می‌کنم. ▶

Please correct me each time. لطفاً هر بار اشتباه مرا تصحیح کنید. ▶

Your pronunciation is very good. تلفظ شما خیلی خوب است. ▶

You only have a slight accent. فقط کمی لهجه دارید. ▶

One can tell where you come from. می‌شود فهمید اهل کجا هستید. ▶

What is your mother tongue / native language (am.)? زبان مادری شما چیست؟ ▶

Are you taking a language course? شما به کلاس زبان می‌روید؟ ▶

Which textbook are you using? از کدام کتاب درسی استفاده می‌کنید؟ ▶

I don't remember the name right now. الان نمی‌دانم اسم آن چیست. ▶

The title is not coming to me. عنوان کتاب یاد نمی‌آید. ▶

I've forgotten it. نام آن را فراموش کرده‌ام. ▶



24 [بیست و چهار]

قرار ملاقات



24 [twenty-four] ▶

Appointment ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Did you miss the bus? به اتوبوس ترسیدی؟

I waited for you for half an hour. من نیم ساعت منتظر تو بودم.

Don't you have a mobile / cell phone (am.) with you? تلفن همراه یا خودت نداری؟

Be punctual next time! دفعه دیگر وقت شناس باش!

Take a taxi next time! دفعه دیگر با تاکسی بیا!

Take an umbrella with you next time! دفعه دیگر چتر یا خودت بیاور!

I have the day off tomorrow. فردا تعطیل هستم.

Shall we meet tomorrow? می‌خواهی فردا قرار بگذاریم؟

I'm sorry, I can't make it tomorrow. متأسفم، من فردا وقت ندارم.

Do you already have plans for this weekend? این آخر هفته برنامه ای داری؟

Or do you already have an appointment? یا اینکه با کسی قرار ملاقات داری؟

I suggest that we meet on the weekend. من پیشنهاد می‌کنم آخر هفته همدیگر را ببینیم.

Shall we have a picnic? می‌خواهی به پیک نیک برویم؟

Shall we go to the beach? می‌خواهی به ساحل دریا برویم؟

Shall we go to the mountains? می‌خواهی به کوه برویم؟

I will pick you up at the office. من درب اداره (بیرون از اداره) دنبالت می‌آیم.

I will pick you up at home. من درب خانه دنبالت می‌آیم.

I will pick you up at the bus stop. من جلوی ایستگاه اتوبوس دنبالت می‌آیم.





25 [بیست و پنج]

در شهر



25 [twenty-five]

In the city

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I would like to go to the station. من می‌خواهم به ایستگاه قطار بروم.

I would like to go to the airport. من می‌خواهم به فرودگاه بروم.

I would like to go to the city centre / center (am.). من می‌خواهم به مرکز شهر بروم.

How do I get to the station? چه جوری به ایستگاه قطار بروم؟

How do I get to the airport? چه جوری به فرودگاه بروم؟

How do I get to the city centre / center (am.)? چه جوری به مرکز شهر بروم؟

I need a taxi. من احتیاج به یک تاکسی دارم.

I need a city map. من احتیاج به یک نقشه دارم.

I need a hotel. من به یک هتل احتیاج دارم.

I would like to rent a car. من می‌خواهم یک اتومبیل کرایه کنم.

Here is my credit card. این کارت اعتباری من است.

Here is my licence / license (am.). این گواهی نامه رانندگی من است.

What is there to see in the city? در این شهر چه چیزی برای دیدن وجود دارد؟

Go to the old city. به بافت قدیم شهر بروید.

Go on a city tour. با تور در شهر بگردید.

Go to the harbour / harbor (am.). به بندر بروید.

Go on a harbour / harbor (am.) tour. با تور گشتی در بندر بزنید.

Are there any other places of interest? آیا دیدنی‌های دیگری هم هست؟

26 [بیست و شش]

در طبیعت



26 [twenty-six]

In nature

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Do you see the tower there? آن برج را آنجا می‌بینی؟ ▶

Do you see the mountain there? آن کوه را آنجا می‌بینی؟ ▶

Do you see the village there? آن دهکده را آنجا می‌بینی؟ ▶

Do you see the river there? آن رودخانه را آنجا می‌بینی؟ ▶

Do you see the bridge there? آن پل را آنجا می‌بینی؟ ▶

Do you see the lake there? آن دریاچه را آنجا می‌بینی؟ ▶

I like that bird. من از آن پرنده خوشم می‌آید. ▶

I like that tree. از آن درخت خوشم می‌آید. ▶

I like this stone. از این سنگ خوشم می‌آید. ▶

I like that park. از آن پارک خوشم می‌آید. ▶

I like that garden. از آن باغ خوشم می‌آید. ▶

I like this flower. از این گل خوشم می‌آید. ▶

I find that pretty. به نظر من آن زیباست. ▶

I find that interesting. به نظر من آن جالب است. ▶

I find that gorgeous. به نظر من آن بسیار زیباست. ▶

I find that ugly. به نظر من آن زشت است. ▶

I find that boring. به نظر من کسل کننده است. ▶

I find that terrible. به نظر من وحشتناک است. ▶

27 [بیست و هفت]

در هتل – ورود به هتل



27 [twenty-seven]

In the hotel – Arrival

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Do you have a vacant room? اتاق خالی دارید؟ ▶

I have booked a room. من یک اتاق رزرو کرده ام. ▶

My name is Miller. اسم من مولر است. ▶

I need a single room. من احتیاج به یک اتاق یک تخته دارم. ▶

I need a double room. من احتیاج به یک اتاق دو تخته دارم. ▶

What does the room cost per night? اتاق شبی چند است؟ ▶

I would like a room with a bathroom. یک اتاق با حمام می‌خواهم. ▶

I would like a room with a shower. یک اتاق با دوش می‌خواهم. ▶

Can I see the room? می‌توانم اتاق را ببینم؟ ▶

Is there a garage here? اینجا پارکینگ (گاراژ) دارد؟ ▶

Is there a safe here? اینجا گاو صندوق دارد؟ ▶

Is there a fax machine here? اینجا فاکس دارد؟ ▶

Fine, I'll take the room. خیلی خوب، من اتاق را می‌گیرم. ▶

Here are the keys. کلید ها اینجا هستند. ▶

Here is my luggage. چمدان من اینجا است. ▶

What time do you serve breakfast? ساعت چند صبحانه سرو می‌شود؟ ▶

What time do you serve lunch? ساعت چند نهار سرو می‌شود؟ ▶

What time do you serve dinner? ساعت چند شام سرو می‌شود؟ ▶





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

The shower isn't working. دوش کار نمی‌کند (دوش خراب است).

There is no warm water. آب گرم نمی‌آید.

Can you get it repaired? می‌توانید کسی را برای تعمیر آن بفرستید؟

There is no telephone in the room. اتاق تلفن ندارد.

There is no TV in the room. اتاق تلویزیون ندارد.

The room has no balcony. اتاق بدون بالکن است.

The room is too noisy. اتاق خیلی سروصدا دارد.

The room is too small. اتاق خیلی کوچک است.

The room is too dark. اتاق خیلی تاریک است.

The heater isn't working. شوفاژ کار نمی‌کند (شوفاژ خراب است).

The air-conditioning isn't working. دستگاه تهویه کار نمی‌کند.

The TV isn't working. تلویزیون خراب است.

I don't like that. من از این خوشم نمی‌آید.

That's too expensive. این برای من خیلی گران است.

Do you have anything cheaper? چیز ارزان‌تری ندارید؟

Is there a youth hostel nearby? در این نزدیکی خوابگاهی هست؟

Is there a boarding house / a bed and breakfast nearby? در این نزدیکی پانسیون هست؟

Is there a restaurant nearby? در این نزدیکی رستوران هست؟



29 [بیست و نه]

در رستوران 1



29 [twenty-nine]

At the restaurant 1

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is this table taken? آیا این میز خالی است؟ ▶

I would like the menu, please. لطفاً لیست غذا را به من بدهید. ▶

What would you recommend? توصیه شما چیست؟ ▶

I'd like a beer. یک آبجو می خواهم. ▶

I'd like a mineral water. یک آب معدنی می خواهم. ▶

I'd like an orange juice. یک آب پرتقال می خواهم. ▶

I'd like a coffee. یک قهوه می خواهم. ▶

I'd like a coffee with milk. یک قهوه با شیر می خواهم. ▶

With sugar, please. با شکر، لطفاً. ▶

I'd like a tea. من چای می خواهم. ▶

I'd like a tea with lemon. من چای با لیمو می خواهم. ▶

I'd like a tea with milk. من چای با شیر می خواهم. ▶

Do you have cigarettes? سیگار دارید؟ ▶

Do you have an ashtray? زیرسیگاری دارید؟ ▶

Do you have a light? کبریت/فندک دارید؟ ▶

I'm missing a fork. من چنگال ندارم. ▶

I'm missing a knife. من کارد ندارم. ▶

I'm missing a spoon. من قاشق ندارم. ▶

30 [سی]

در رستوران 2



30 [thirty]

At the restaurant 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

An apple juice, please. یک آب سیب لطفاً.

A lemonade, please. یک لیموناد لطفاً.

A tomato juice, please. یک آب گوجه فرنگی لطفاً.

I'd like a glass of red wine. یک لیوان شراب قرمز می‌خواهم.

I'd like a glass of white wine. یک لیوان شراب سفید می‌خواهم.

I'd like a bottle of champagne. یک بطری شامپاین می‌خواهم.

Do you like fish? ماهی دوست داری؟

Do you like beef? گوشت گاو دوست داری؟

Do you like pork? گوشت خوک دوست داری؟

I'd like something without meat. من یک غذای بدون گوشت می‌خواهم.

I'd like some mixed vegetables. من یک ظرف سبزی می‌خواهم.

I'd like something that won't take much time. غذایی می‌خواهم که تهیه آن زیاد طول نکشد.

Would you like that with rice? غذا را با برنج می‌خواهید؟

Would you like that with pasta? غذا را با ماکارونی می‌خواهید؟

Would you like that with potatoes? غذا را با سیب زمینی می‌خواهید؟

That doesn't taste good. غذا خوشمزه نیست.

The food is cold. غذا سرد است.

I didn't order this. من این غذا را سفارش ندادم.

31 [سی و یک]

در رستوران 3



31 [thirty-one]

At the restaurant 3

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I would like a starter. من یک پیش غذا می‌خواهم.

I would like a salad. من یک سالاد می‌خواهم.

I would like a soup. من یک سوپ می‌خواهم.

I would like a dessert. من یک دسر می‌خواهم.

I would like an ice cream with whipped cream. من یک بستنی با خامه می‌خواهم.

I would like some fruit or cheese. من میوه یا پنیر می‌خواهم.

We would like to have breakfast. ما می‌خواهیم صبحانه بخوریم.

We would like to have lunch. ما می‌خواهیم ناهار بخوریم.

We would like to have dinner. ما می‌خواهیم شام بخوریم.

What would you like for breakfast? شما صبحانه چی میل دارید؟

Rolls with jam and honey? نان با مربا و صل؟

Toast with sausage and cheese? نان تست با سوسیس و پنیر؟

A boiled egg? یک تخم مرغ پخته؟

A fried egg? یک تخم مرغ نیمرو؟

An omelette? یک املت؟

Another yoghurt, please. لطفاً یک ماست دیگر بیاورید.

Some salt and pepper also, please. لطفاً باز هم نمک و فلفل بیاورید.

Another glass of water, please. لطفاً یک لیوان آب دیگر هم بیاورید.





32 [سی و دو]

در رستوران 4



32 [thirty-two]

At the restaurant 4

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I'd like chips / French fries (am.) with ketchup. یک پرس سیب زمینی سرخ کرده با کچاپ.

And two with mayonnaise. و دو پرس سیب زمینی سرخ کرده با سس مایونز.

And three sausages with mustard. و سه پرس سوسیس سرخ کرده با خردل.

What vegetables do you have? چه نوع سبزی دارید؟

Do you have beans? لوبیا دارید؟

Do you have cauliflower? گل کلم دارید؟

I like to eat (sweet) corn. من دوست دارم ذرت بخورم.

I like to eat cucumber. من دوست دارم خیار بخورم.

I like to eat tomatoes. من دوست دارم گوجه فرنگی بخورم.

Do you also like to eat leek? پیازچه دوست دارید؟

Do you also like to eat sauerkraut? ترشی کلم دوست دارید؟

Do you also like to eat lentils? عدس دوست دارید؟

Do you also like to eat carrots? هویج دوست داری؟

Do you also like to eat broccoli? بروکلی دوست داری؟

Do you also like to eat peppers? فلفل هم دوست داری؟

I don't like onions. من پیاز دوست ندارم.

I don't like olives. من زیتون دوست ندارم.

I don't like mushrooms. من قارچ دوست ندارم.





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

When is the next train to Berlin? قطار بعدی کی به برلین می‌رود؟

When is the next train to Paris? قطار بعدی کی به پاریس می‌رود؟

When is the next train to London? قطار بعدی کی به لندن می‌رود؟

When does the train for Warsaw leave? قطار ورشو ساعت چند حرکت می‌کند؟

When does the train for Stockholm leave? قطار استکهلم ساعت چند حرکت می‌کند؟

When does the train for Budapest leave? قطار بوداپست ساعت چند حرکت می‌کند؟

I'd like a ticket to Madrid. من یک بلیط برای مادرید می‌خواهم.

I'd like a ticket to Prague. من یک بلیط برای پراگ می‌خواهم.

I'd like a ticket to Bern. من یک بلیط برای برن می‌خواهم.

When does the train arrive in Vienna? قطار کی به وین می‌رسد؟

When does the train arrive in Moscow? قطار کی به مسکو می‌رسد؟

When does the train arrive in Amsterdam? قطار کی به آمستردام می‌رسد؟

Do I have to change trains? باید قطار را عوض کنم؟

From which platform does the train leave? قطار از کدام سکوی حرکت می‌کند؟

Does the train have sleepers? آیا قطار کویه خواب دارد؟

I'd like a one-way ticket to Brussels. من فقط بلیط رفت به بروکسل را می‌خواهم.

I'd like a return ticket to Copenhagen. من یک بلیط برگشت به کپنهاگ می‌خواهم.

What does a berth in the sleeper cost? قیمت بلیط قطار در کویه خواب چند است؟

34 [سی و چهار]

در قطار



34 [thirty-four] ▶

On the train ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is that the train to Berlin? این قطار به برلین می‌رود؟ ▶

When does the train leave? قطار کی حرکت می‌کند؟ ▶

When does the train arrive in Berlin? قطار کی به برلین می‌رسد؟ ▶

Excuse me, may I pass? ببخشید، اجازه هست عبور کنم (رد شوم)؟ ▶

I think this is my seat. فکر می‌کنم اینجا جای من است. ▶

I think you're sitting in my seat. فکر می‌کنم شما روی صندلی من نشسته اید. ▶

Where is the sleeper? کویه خواب کجا است؟ ▶

The sleeper is at the end of the train. کویه خواب در انتهای قطار است. ▶

And where is the dining car? – At the front. و رستوران قطار کجاست؟ در ابتدای قطار. ▶

Can I sleep below? می‌توانم پایین بخوابم؟ ▶

Can I sleep in the middle? می‌توانم وسط بخوابم؟ ▶

Can I sleep at the top? می‌توانم بالا بخوابم؟ ▶

When will we get to the border? کی به مرز می‌رسیم؟ ▶

How long does the journey to Berlin take? سفر به برلین چقدر طول می‌کشد؟ ▶

Is the train delayed? قطار تأخیر دارد؟ ▶

Do you have something to read? چیزی برای خواندن دارید؟ ▶

Can one get something to eat and to drink here? اینجا می‌تود خوراکی یا نوشیدنی پیدا کرد؟ ▶

Could you please wake me up at 7 o'clock? ممکن است مرا ساعت 7 بیدار کنید؟ ▶

35 [سی و پنج]

در فرودگاه



35 [thirty-five] ▶

At the airport ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I'd like to book a flight to Athens. من می‌خواهم یک پرواز به آتن رزرو کنم.

Is it a direct flight? این یک پرواز مستقیم است؟

A window seat, non-smoking, please. لطفاً یک صندلی کنار پنجره برای غیر سیگاری‌ها.

I would like to confirm my reservation. من می‌خواهم بلیط رزروم را تأیید کنم.

I would like to cancel my reservation. من می‌خواهم بلیط رزروم را کنسل کنم.

I would like to change my reservation. من می‌خواهم تاریخ و ساعت بلیطم را تغییر دهم.

When is the next flight to Rome? پرواز بعدی به رم چه زمانی است؟

Are there two seats available? آیا دو جای (صندلی) دیگر خالی است؟

No, we have only one seat available. نه، ما فقط یک جای خالی داریم.

When do we land? کی فرود می‌آییم؟

When will we be there? کی به مقصد می‌رسیم؟

When does a bus go to the city centre / center (am.)? کی اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟

Is that your suitcase? این چمدان شماست؟

Is that your bag? این کیف شماست؟

Is that your luggage? این وسایل (سفر) شماست؟

How much luggage can I take? چه مقدار بار می‌توانم با خود بیاورم؟

Twenty kilos. بیست کیلو.

What? Only twenty kilos? جی، فقط بیست کیلو؟



36 [سی و شش]

حمل و نقل عمومی / عبور و مرور درون شهری



36 [thirty-six]

Public transportation

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Where is the bus stop? ایستگاه اتوبوس کجاست؟

Which bus goes to the city centre / center (am.)? کدام اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟

Which bus do I have to take? کدام خط (چه اتوبوسی) باید سوار شوم؟

Do I have to change? باید اتوبوس عوض کنم؟

Where do I have to change? کجا باید اتوبوس را عوض کنم؟

How much does a ticket cost? قیمت یک بلیط چند است؟

How many stops are there before downtown / the city centre? تا مرکز شهر چند ایستگاه است؟

You have to get off here. شما باید اینجا پیاده شوید.

You have to get off at the back. شما باید از قسمت عقب ماشین پیاده شوید.

The next train is in 5 minutes. متروی (زیرزمینی) بعدی 5 دقیقه دیگر می‌آید.

The next tram is in 10 minutes. تراموای بعدی 10 دقیقه دیگر می‌آید.

The next bus is in 15 minutes. اتوبوس بعدی 15 دقیقه دیگر می‌آید.

When is the last train? آخرین مترو (زیرزمینی) کی حرکت می‌کند؟

When is the last tram? آخرین تراموا کی حرکت می‌کند؟

When is the last bus? آخرین اتوبوس کی حرکت می‌کند؟

Do you have a ticket? شما بلیط دارید؟

A ticket? – No, I don't have one. بلیط؟ نه ندارم.

Then you have to pay a fine. پس باید جریمه بپردازید.



37 [سی و هفت]

در راه



37 [thirty-seven]

En route

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

He drives a motorbike. او (مرد) با موتورسیکلت حرکت می‌کند.

He rides a bicycle. او (مرد) با دوچرخه حرکت می‌کند.

He walks. او (مرد) پیاده می‌رود.

He goes by ship. او (مرد) با کشتی حرکت می‌کند.

He goes by boat. او (مرد) با قایق حرکت می‌کند.

He swims. او (مرد) شنا می‌کند.

Is it dangerous here? اینجا جای خطرناکی است؟

Is it dangerous to hitchhike alone? آیا تنهایی قدم زدن خطرناک است؟

Is it dangerous to go for a walk at night? آیا پیاده روی در شب خطرناک است؟

We got lost. ما راه را (با ماشین) اشتباه رفته ایم.

We're on the wrong road. ما در مسیر اشتباه هستیم.

We must turn around. ما باید برگردیم.

Where can one park here? اینجا کجا می‌تود پارک کرد؟

Is there a parking lot here? آیا اینجا پارکینگ هست؟

How long can one park here? چقدر می‌تود اینجا پارک کرد؟

Do you ski? شما اسکی می‌کنید؟

Do you take the ski lift to the top? یا تله سیژ (بالابر اسکی) بالا می‌روید؟

Can one rent skis here? آیا می‌تود اینجا چوب اسکی کرایه کرد؟



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Please call a taxi. لطفاً یک تاکسی صدا کنید.

What does it cost to go to the station? تا ایستگاه قطار کرایه چقدر می‌شود؟

What does it cost to go to the airport? تا فرودگاه کرایه چقدر می‌شود؟

Please go straight ahead. لطفاً مستقیم بروید.

Please turn right here. لطفاً اینجا سمت راست بپیچید.

Please turn left at the corner. لطفاً آنجا سر نبش، سمت چپ بپیچید.

I'm in a hurry. من عجله دارم.

I have time. من وقت دارم.

Please drive slowly. لطفاً آهسته تر برانید.

Please stop here. لطفاً اینجا توقف کنید.

Please wait a moment. لطفاً یک لحظه صبر کنید.

I'll be back immediately. من الان بر می‌گردم.

Please give me a receipt. لطفاً یک قبض رسیده به من بدهید.

I have no change. من پول خرد ندارم.

That is okay, please keep the change. درست است، بقیه پول برای خودتان.

Drive me to this address. مرا به این آدرس ببرید.

Drive me to my hotel. مرا به هتل ببرید.

Drive me to the beach. مرا (با ماشین) به ساحل ببرید.

39 [سی و نه]

خرابی ماشین



39 [thirty-nine]

Car breakdown

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Where is the next gas station? نزدیکترین پمپ بنزین بعدی کجاست؟ ▶

I have a flat tyre / tire (am.). لاستیکم پنجر شده است. ▶

Can you change the tyre / tire (am.)? می‌توانید چرخ ماشین را عوض کنید؟ ▶

I need a few litres / liters (am.) of diesel. من چند لیتر گازوئیل احتیاج دارم. ▶

I have no more petrol / gas (am.). من دیگر بنزین ندارم. ▶

Do you have a petrol can / jerry can / gas can (am.)? گالن بنزین همراه دارید؟ ▶

Where can I make a call? کجا می‌توانم تلفن بزنم؟ ▶

I need a towing service. من احتیاج به ماشین امداد خودرو (جهت بوکسل کردن) دارم. ▶

I'm looking for a garage. من دنبال یک تعمیرگاه هستم. ▶

An accident has occurred. یک تصادف شده است. ▶

Where is the nearest telephone? باجه تلفن بعدی کجاست؟ ▶

Do you have a mobile / cell phone (am.) with you? تلفن همراه دارید؟ ▶

We need help. ما احتیاج به کمک داریم. ▶

Call a doctor! یک دکتر صدا کنید! ▶

Call the police! پلیس را خبر کنید! ▶

Your papers, please. مدارک‌تان لطفاً. ▶

Your licence / license (am.), please. لطفاً گواهینامه‌تان را نشان دهید. ▶

Your registration, please. لطفاً کارت خودرویتان را نشان دهید. ▶



40 [چهل]

سؤال پرسی در مورد مسیر حرکت



40 [forty]

Asking for directions

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Excuse me! معذرت می‌خواهم!

Can you help me? می‌توانید به من کمک کنید؟

Is there a good restaurant around here? در این اطراف رستوران خوبی هست؟

Take a left at the corner. سر نیش، سمت چپ بروید.

Then go straight for a while. بعد یک مقدار مستقیم بروید.

Then go right for a hundred metres / meters (am.). بعد صد متر به طرف راست بروید.

You can also take the bus. با اتوبوس هم می‌توانید بروید.

You can also take the tram. با مترو هم می‌توانید بروید.

You can also follow me with your car. اصلاً می‌توانید پشت سر من حرکت کنید.

How do I get to the football / soccer (am.) stadium? چگونه به استادیوم فوتبال بروم؟

Cross the bridge! از پل عبور کنید / پل را رد کنید.

Go through the tunnel! از تونل عبور کنید / تونل را رد کنید.

Drive until you reach the third traffic light. تا سومین چراغ راهنما بروید.

Then turn into the first street on your right. سپس اولین خیابان به سمت راست بپیچید.

Then drive straight through the next intersection. و از چهارراه بعدی عبور کنید.

Excuse me, how do I get to the airport? ببخشید، چگونه به فرودگاه بروم؟

It is best if you take the underground / subway (am.). بهترین راه این است که با مترو بروید.

Simply get out at the last stop. نا آخرین ایستگاه بروید.

41 [چهل و یک]

جهت یابی



41 [forty-one]

Where is ... ?

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Where is the tourist information office? دفتر اطلاعات گردشگری کجاست؟ ▶

Do you have a city map for me? یک نقشه شهری (برای من) دارید؟ ▶

Can one reserve a room here? اینجا می‌تواند یک اتاق در هتل رزرو کرد؟ ▶

Where is the old city? یافت قدیم شهر کجاست؟ ▶

Where is the cathedral? کلیسای جامع کجاست؟ ▶

Where is the museum? موزه کجاست؟ ▶

Where can one buy stamps? کجا می‌تواند نمبر خرید؟ ▶

Where can one buy flowers? کجا می‌تواند گل خرید؟ ▶

Where can one buy tickets? کجا می‌تواند بلیط خرید؟ ▶

Where is the harbour / harbor (am.)? بندر کجاست؟ ▶

Where is the market? بازار کجاست؟ ▶

Where is the castle? قصر کجاست؟ ▶

When does the tour begin? تور بازدید کی شروع می‌شود؟ ▶

When does the tour end? تور بازدید کی تمام می‌شود؟ ▶

How long is the tour? تور بازدید چقدر طول می‌کشد؟ ▶

I would like a guide who speaks German. من یک راهنما می‌خواهم که آلمانی صحبت کند. ▶

I would like a guide who speaks Italian. من یک راهنما می‌خواهم که ایتالیایی صحبت کند. ▶

I would like a guide who speaks French. من یک راهنما می‌خواهم که فرانسوی صحبت کند. ▶

42 [چهل و دو]

یازدید از شهر



42 [forty-two] ▶

City tour ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is the market open on Sundays? ▶

Is the fair open on Mondays? ▶

Is the exhibition open on Tuesdays? ▶

Is the zoo open on Wednesdays? ▶

Is the museum open on Thursdays? ▶

Is the gallery open on Fridays? ▶

Can one take photographs? ▶

Does one have to pay an entrance fee? ▶

How much is the entrance fee? ▶

Is there a discount for groups? ▶

Is there a discount for children? ▶

Is there a discount for students? ▶

What building is that? ▶

How old is the building? ▶

Who built the building? ▶

I'm interested in architecture. ▶

I'm interested in art. ▶

I'm interested in paintings. ▶



43 [چهل و سه]

در باغ وحش



43 [forty-three] ▶

At the zoo ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

The zoo is there. آنجا باغ وحش است.

The giraffes are there. زرافه‌ها آنجا هستند.

Where are the bears? قسمت خرس‌ها کجا است؟

Where are the elephants? قسمت فیل‌ها کجا است؟

Where are the snakes? قسمت مار‌ها کجا است؟

Where are the lions? قسمت شیر‌ها کجا است؟

I have a camera. من یک دوربین عکاسی دارم.

I also have a video camera. من یک دوربین فیلم برداری هم دارم.

Where can I find a battery? کجا می‌توانم باتری پیدا کنم؟

Where are the penguins? قسمت پنگوئن‌ها کجا است؟

Where are the kangaroos? قسمت کانگوروها کجا است؟

Where are the rhinos? قسمت کرگدن‌ها کجا است؟

Where is the toilet / restroom (am.)? توالت کجاست؟

There is a café over there. آنجا یک کافه است.

There is a restaurant over there. آنجا یک رستوران است.

Where are the camels? قسمت شتر‌ها کجا است؟

Where are the gorillas and the zebras? قسمت گوریل‌ها و گورخر‌ها کجا است؟

Where are the tigers and the crocodiles? قسمت ببر‌ها و تمساح‌ها کجا است؟

44 [چهل و چهار]

گردش عصر (شب)



44 [forty-four]

Going out in the evening

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is there a disco here? آیا اینجا دیسکو هست؟ ▶

Is there a nightclub here? آیا اینجا کلابه هست؟ ▶

Is there a pub here? آیا اینجا بار هست؟ ▶

What's playing at the theatre / theater (am.) this evening? امشب برنامه تئاتر چیست؟ ▶

What's playing at the cinema / movies (am.) this evening? برنامه امشب سینما چیست؟ ▶

What's on TV this evening? امشب تلویزیون چی نشان می‌دهد؟ ▶

Are tickets for the theatre / theater (am.) still available? هنوز بلیط تئاتر دارند؟ ▶

Are tickets for the cinema / movies (am.) still available? هنوز بلیط سینما دارند؟ ▶

Are tickets for the football / soccer am. game still available? هنوز بلیط برای نمایش بازی فوتبال دارند؟ ▶

I want to sit in the back. من دوست دارم کاملاً عقب بنشینم. ▶

I want to sit somewhere in the middle. من دوست دارم یک جایی در وسط بنشینم. ▶

I want to sit at the front. من دوست دارم کاملاً جلو بنشینم. ▶

Could you recommend something? می‌توانید چیزی به من توصیه کنید؟ ▶

When does the show begin? نمایش چه موقع شروع می‌شود؟ ▶

Can you get me a ticket? می‌توانید برای من یک بلیط بگیرید؟ ▶

Is there a golf course nearby? آیا این نزدیکی‌ها، زمین گلف هست؟ ▶

Is there a tennis court nearby? آیا این نزدیکی‌ها، زمین تنیس هست؟ ▶

Is there an indoor swimming pool nearby? آیا این نزدیکی‌ها، استخر سرپوشیده هست؟ ▶

45 [چهل و پنج]

در سینما



45 [forty-five]

At the cinema

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

We want to go to the cinema. ما می‌خواهیم به سینما برویم.

A good film is playing today. امروز فیلم خوبی روی پرده است.

The film is brand new. این فیلم کاملاً جدید است.

Where is the cash register? گنجینه فروش بلیط کجاست؟

Are seats still available? هنوز صندلی خالی وجود دارد؟

How much are the admission tickets? قیمت بلیط چند است؟

When does the show begin? نمایش فیلم کی شروع می‌شود؟

How long is the film? نمایش فیلم چقدر طول می‌کشد؟

Can one reserve tickets? آیا می‌شود بلیط رزرو کرد؟

I want to sit at the back. من دوست دارم عقب بنشینم.

I want to sit at the front. من دوست دارم جلو بنشینم.

I want to sit in the middle. من دوست دارم وسط بنشینم.

The film was exciting. فیلم مهیج بود.

The film was not boring. فیلم خسته کننده نبود.

But the book on which the film was based was better. اما کتاب مربوط به این فیلم بهتر بود.

How was the music? موزیک چطور بود؟

How were the actors? هنرپیشه‌ها چطور بودند؟

Were there English subtitles? آیا زیرنویس انگلیسی داشت؟



46 [چهل و شش]

در دیسکو



46 [forty-six]

In the discotheque

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is this seat taken? این صندلی خالی است؟ ▶

May I sit with you? اجازه هست کنار شما بنشینیم؟ ▶

Sure. با کمال میل. ▶

How do you like the music? نظرشان در مورد موسیقی چیست؟ ▶

A little too loud. صدای آن یک کم (بیش از حد) بلند است. ▶

But the band plays very well. اما گروه موسیقی کارش را نسبتاً خوب انجام می‌دهد. ▶

Do you come here often? شما زیاد اینجا می‌آیید؟ ▶

No, this is the first time. نه، این اولین بار است. ▶

I've never been here before. من تا به حال اینجا نیامدم. ▶

Would you like to dance? شما می‌رقصید؟ ▶

Maybe later. شاید بعداً. ▶

I can't dance very well. من نمی‌توانم خوب برقصم. ▶

It's very easy. خیلی ساده است. ▶

I'll show you. من به شما نشان می‌دهم. ▶

No, maybe some other time. نه، ترجیح می‌دهم یک وقت دیگر برقصم. ▶

Are you waiting for someone? منتظر کسی هستید؟ ▶

Yes, for my boyfriend. بله، منتظر دوست پسرم هستم. ▶

There he is! دارد می‌آید! ▶

47 [چهل و هفت]

تدارک سفر



47 [forty-seven] ▶

Preparing a trip ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

You have to pack our suitcase! تو باید چمدانمان را ببندی!

Don't forget anything! نباید چیزی را فراموش کنی!

You need a big suitcase! یک چمدان بزرگ لازم داری!

Don't forget your passport! پاسپورت را فراموش نکن.

Don't forget your ticket! بلیط هواپیما را فراموش نکن.

Don't forget your traveller's cheques / traveler's checks (am.)! چک های مسافرتی را فراموش نکن.

Take some suntan lotion with you. کرم ضدآفتاب را بردار.

Take the sun-glasses with you. عینک آفتابی را بردار.

Take the sun hat with you. کلاه آفتاب گیر را بردار.

Do you want to take a road map? می‌خواهی نقشه خیابانها را با خود ببری؟

Do you want to take a travel guide? می‌خواهی یک کتابچه راهنمای سفر با خود ببری؟

Do you want to take an umbrella? می‌خواهی یک چتر با خود ببری؟

Remember to take pants, shirts and socks. شلوار، پیراهن و جوراب ها را یادت نرود.

Remember to take ties, belts and sports jackets. کراوات، کمربند و کت ها را یادت نرود.

Remember to take pyjamas, nightgowns and t-shirts. لباس خواب، پیراهن شب و تی شرت ها را یادت نرود.

You need shoes, sandals and boots. تو کفش، ساندل و چکمه لازم داری.

You need handkerchiefs, soap and a nail clipper. تو دستمال کاغذی، صابون و ناخن گیر لازم داری.

You need a comb, a toothbrush and toothpaste. تو یک شانه، یک مسواک و خمیردندان لازم داری.

48 [چهل و هشت]

فعالیت های تعطیلاتی



48 [forty-eight]

Vacation activities

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Is the beach clean? ساحل تمیز است؟ ▶

Can one swim there? آیا می‌تواند آنجا شنا کرد؟ ▶

Isn't it dangerous to swim there? در آنجا شنا کردن خطرناک نیست؟ ▶

Can one rent a sun umbrella / parasol here? آیا می‌تواند اینجا چتر آفتابی کرایه کرد؟ ▶

Can one rent a deck chair here? آیا می‌تواند اینجا صندلی راحتی کرایه کرد؟ ▶

Can one rent a boat here? آیا می‌تواند اینجا قایق کرایه کرد؟ ▶

I would like to surf. دوست دارم موج سواری کنم. ▶

I would like to dive. دوست دارم غواصی کنم. ▶

I would like to water ski. دوست دارم اسکی روی آب بروم. ▶

Can one rent a surfboard? آیا می‌تواند تخته موج سواری کرایه کرد؟ ▶

Can one rent diving equipment? آیا می‌تواند وسایل غواصی کرایه کرد؟ ▶

Can one rent water skis? آیا می‌تواند چوب اسکی روی آب کرایه کرد؟ ▶

I'm only a beginner. من فقط یک مبتدی هستم. ▶

I'm moderately good. من با آن آشنایی دارم. ▶

I'm pretty good at it. من در این مورد نسبتاً وارد هستم. ▶

Where is the ski lift? (بالابر اسکی) کجاست؟ ▶

Do you have skis? تو وسایل اسکی همراه داری؟ ▶

Do you have ski boots? کفش اسکی همراه داری؟ ▶



49 [چهل و نه]

ورزش



49 [forty-nine] ▶

Sports ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Do you exercise? تمرین می‌کنی؟ ▶

Yes, I need some exercise. بله، من باید تمرین داشته باشم. ▶

I am a member of a sports club. من به باشگاه ورزشی می‌روم. ▶

We play football / soccer (am.). ما فوتبال بازی می‌کنیم. ▶

We swim sometimes. گاهی اوقات شنا می‌کنیم. ▶

Or we cycle. یا اینکه دوچرخه سواری می‌کنیم. ▶

There is a football / soccer (am.) stadium in our city. شهر ما یک استادیوم فوتبال دارد. ▶

There is also a swimming pool with a sauna. یک استخر با سونا هم دارد. ▶

And there is a golf course. و یک زمین گلف هم اینجا هست. ▶

What is on TV? تلویزیون چه برنامه ای دارد؟ ▶

There is a football / soccer (am.) match on now. الان یک بازی فوتبال در حال پخش است. ▶

The German team is playing against the English one. تیم آلمان در مقابل تیم انگلیس بازی می‌کند. ▶

Who is winning? کی برنده می‌شود؟ ▶

I have no idea. نمی‌دانم. ▶

It is currently a tie. فعلاً بازی مساویست. ▶

The referee is from Belgium. داور اهل بلژیک است. ▶

Now there is a penalty. الان پنالتی شد. ▶

Goal! One – zero! گل! یک بر هیچ. ▶

50 [پنجاه]

در استخر شنا



50 [fifty]

In the swimming pool

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

It is hot today. امروز هوا خیلی گرم است.

Shall we go to the swimming pool? نظرت چیست که به استخر برویم؟

Do you feel like swimming? دوست داری برویم شنا؟

Do you have a towel? حوله داری؟

Do you have swimming trunks? مایو داری؟

Do you have a bathing suit? لباس شنا داری؟

Can you swim? شنا بلدی؟

Can you dive? غواصی بلدی؟

Can you jump in the water? می‌توانی شیرجه بزنی؟

Where is the shower? دوش کجاست؟

Where is the changing room? رختکن کجاست؟

Where are the swimming goggles? عینک شنا کجاست؟

Is the water deep? آب استخر عمیق است؟

Is the water clean? آب تمیز است؟

Is the water warm? آب گرم است؟

I am freezing. من دارم یخ می‌زنم.

The water is too cold. آب زیادی سرد است.

I am getting out of the water now. من دارم از آب خارج می‌شوم.

51 [پنجاه و یک]

خرید



51 [fifty-one]

Running errands

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I want to go to the library. من می‌خواهم به کتابخانه بروم.

I want to go to the bookstore. من می‌خواهم به کتاب فروشی بروم.

I want to go to the newspaper stand. من می‌خواهم به کیوسک بروم.

I want to borrow a book. من می‌خواهم یک کتاب به امانت بگیرم.

I want to buy a book. من می‌خواهم یک کتاب بخرم.

I want to buy a newspaper. من می‌خواهم یک روزنامه بخرم.

I want to go to the library to borrow a book. من می‌خواهم به کتابخانه بروم تا کتاب به امانت بگیرم.

I want to go to the bookstore to buy a book. من می‌خواهم به کتابفروشی بروم تا کتاب بخرم.

I want to go to the kiosk / newspaper stand to buy a newspaper. من می‌خواهم به کیوسک بروم تا روزنامه بخرم.

I want to go to the optician. من می‌خواهم به عینک فروشی بروم.

I want to go to the supermarket. من می‌خواهم به سوپر مارکت بروم.

I want to go to the bakery. من می‌خواهم به نانوايي بروم.

I want to buy some glasses. من می‌خواهم عینک بخرم.

I want to buy fruit and vegetables. من می‌خواهم میوه و سبزی بخرم.

I want to buy rolls and bread. من می‌خواهم نان صبحانه و نان بخرم.

I want to go to the optician to buy glasses. من می‌خواهم به عینک فروشی بروم تا عینک بخرم.

I want to go to the supermarket to buy fruit and vegetables. من می‌خواهم به سوپر مارکت بروم تا میوه و سبزی بخرم.

I want to go to the baker to buy rolls and bread. من می‌خواهم به نانوايي بروم تا نان صبحانه و نان بخرم.



52 [پنجاه و دو]

در فروشگاه



52 [fifty-two]

In the department store

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Shall we go to the department store? برویم به یک فروشگاه؟

I have to go shopping. من باید خریدهایم را انجام دهم.

I want to do a lot of shopping. من می‌خواهم خیلی خرید کنم.

Where are the office supplies? قسمت لوازم اداری کجا است؟

I need envelopes and stationery. من پاکت نامه و کاغذ نامه لازم دارم.

I need pens and markers. من چند تا خودکار و ماژیک لازم دارم.

Where is the furniture? قسمت مبیل ها کجاست؟

I need a cupboard and a chest of drawers. من یک قفسه و یک دراور لازم دارم.

I need a desk and a bookshelf. من یک میز تحریر و یک قفسه ی کتاب لازم دارم.

Where are the toys? قسمت اسباب بازیها کجاست؟

I need a doll and a teddy bear. من یک عروسک و یک خرس پارچه ای لازم دارم.

I need a football and a chess board. من یک توپ فوتبال و یک تخته شطرنج لازم دارم.

Where are the tools? قسمت ابزار آلات کجا است؟

I need a hammer and a pair of pliers. من یک چکش و یک انبردست لازم دارم.

I need a drill and a screwdriver. من یک دریل و یک آچار پیچ گوشتی لازم دارم.

Where is the jewellery / jewelry (am.) department? قسمت جواهرات کجاست؟

I need a chain and a bracelet. من یک گردن بند و یک دست بند لازم دارم.

I need a ring and earrings. من یک حلقه و گوشواره لازم دارم.

53 [پنجاه و سه]

معاندها



53 [fifty-three] ▶

Shops ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

We're looking for a sports shop. ما دنبال یک فروشگاه ورزشی می‌گردیم.

We're looking for a butcher shop. ما دنبال یک قصابی می‌گردیم.

We're looking for a pharmacy / drugstore (am.). ما دنبال یک داروخانه می‌گردیم.

We want to buy a football. چون می‌خواهیم توپ فوتبال بخریم.

We want to buy salami. چون می‌خواهیم کالباس (سالامی) بخریم.

We want to buy medicine. چون می‌خواهیم دارو بخریم.

We're looking for a sports shop to buy a football. دنبال فروشگاه ورزشی می‌گردیم تا توپ فوتبال بخریم.

We're looking for a butcher shop to buy salami. دنبال قصابی می‌گردیم تا کالباس (سالامی) بخریم.

We're looking for a drugstore to buy medicine. دنبال داروخانه می‌گردیم تا دارو بخریم.

I'm looking for a jeweller / jeweler (am.). من دنبال یک جواهر فروشی می‌گردم.

I'm looking for a photo equipment store. من دنبال یک مغازه تجهیزات عکاسی می‌گردم.

I'm looking for a confectionery. من دنبال یک قنادی می‌گردم.

I actually plan to buy a ring. من قصد دارم یک حلقه بخرم.

I actually plan to buy a roll of film. من قصد دارم یک حلقه فیلم بخرم.

I actually plan to buy a cake. من قصد دارم یک کیک بخرم.

I'm looking for a jeweler to buy a ring. من دنبال یک جواهر فروشی می‌گردم تا حلقه بخرم.

I'm looking for a photo shop to buy a roll of film. من دنبال یک عکاسی هستم تا یک حلقه فیلم بخرم.

I'm looking for a confectionery to buy a cake. من دنبال یک قنادی می‌گردم تا کیک بخرم.

54 [پنجاه و چهار]

خرید



54 [fifty-four]

Shopping

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I want to buy a present. من می‌خواهم یک کادو بخرم.

But nothing too expensive. اما زیاد گران نباشد.

Maybe a handbag? شاید یک کیف دستی؟

Which color would you like? چه رنگی دوست دارید؟

Black, brown or white? سیاه، قهوه‌ای یا سفید؟

A large one or a small one? بزرگ باشد یا کوچک؟

May I see this one, please? می‌توانم این یکی را ببینم؟

Is it made of leather? این از جنس چرم است؟

Or is it made of plastic? یا از جنس پلاستیک است؟

Of leather, of course. قطعاً چرمی است.

This is very good quality. از کیفیت خیلی خوبی برخوردار است.

And the bag is really very reasonable. و قیمت این کیف دستی واقعاً مناسب است.

I like it. از این یکی خوشم می‌آید.

I'll take it. این یکی را بر می‌دارم.

Can I exchange it if needed? شاید بخواهم آن را عوض کنم، امکان دارد؟

Of course. بده، مسلماً.

We'll gift wrap it. آن را به صورت کادو بسته بندی می‌کنیم.

The cashier is over there. آن رویرو صندوق پرداخت است.





55 [پنجاه و پنج]

کار

55 [fifty-five]

Working

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

What do you do for a living? شغل شما چیست؟ ▶

My husband is a doctor. شوهر من پزشک است. ▶

I work as a nurse part-time. من نیمه وقت به عنوان پرستار کار می‌کنم. ▶

We will soon receive our pension. به زودی حقوق بازنشستگی ما پرداخت می‌شود. ▶

But taxes are high. اما مالیات‌ها زیاد هستند. ▶

And health insurance is expensive. و بیمه درمانی بالا (زیاد) است. ▶

What would you like to become some day? تو می‌خواهی چکاره بشوی؟ ▶

I would like to become an engineer. من می‌خواهم مهندس بشوم. ▶

I want to go to college. من می‌خواهم به دانشگاه بروم. ▶

I am an intern. من کارآموز هستم. ▶

I do not earn much. درآمد زیاد نیست. ▶

I am doing an internship abroad. من خارج از کشور کارآموزی می‌کنم. ▶

That is my boss. این رئیس من است. ▶

I have nice colleagues. من همکارهای مهربانی (خوبی) دارم. ▶

We always go to the cafeteria at noon. ظهرها همیشه به سلف اداره می‌رویم. ▶

I am looking for a job. من به دنبال کار هستم. ▶

I have already been unemployed for a year. یک سال است که بیکارم. ▶

There are too many unemployed people in this country. در این کشور بیکار زیاد است. ▶



56 [پنجاه و شش]

احساسات

56 [fifty-six]

Feelings

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

to feel like / want to به تمایل به انجام کاری داشتن  
We feel like. / We want to. ما تمایل به انجام کاری داریم.  
We don't feel like. / We don't want to. ما تمایل به انجام کاری نداریم.

to be afraid ترس داشتن  
I'm afraid. من می‌ترسم.  
I am not afraid. من نمی‌ترسم.

to have time وقت داشتن  
He has time. او (مرد) وقت دارد.  
He has no time. او (مرد) وقت ندارد.

to be bored بی حوصله بودن  
She is bored. او (زن) بی حوصله است.  
She is not bored. او (زن) حوصله دارد.

to be hungry گرسنه بودن  
Are you hungry? شما گرسنه هستید؟  
Aren't you hungry? شما گرسنه نیستید؟

to be thirsty تشنه بودن  
They are thirsty. آنها تشنه هستند.  
They are not thirsty. آنها تشنه نیستند.

57 [پنجاه و هفت]

در مطب دکتر



57 [fifty-seven] ▶

At the doctor ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I have a doctor's appointment. من وقت دکتر دارم.

I have the appointment at ten o'clock. من ساعت ده وقت دکتر دارم.

What is your name? اسم شما چیست؟

Please take a seat in the waiting room. لطفاً در اتاق انتظار نشیمن داشته باشید.

The doctor is on his way. دکتر الان می‌آید.

What insurance company do you belong to? بیمه کجا هستید؟

What can I do for you? چکار می‌توانم برای شما انجام دهم؟

Do you have any pain? درد دارید؟

Where does it hurt? کجا درد می‌کند؟

I always have back pain. من همیشه کمر درد دارم.

I often have headaches. من اغلب سردرد دارم.

I sometimes have stomach aches. من گاهی اوقات شکم درد دارم.

Remove your top! لطفاً لباس بالاتنه خود را در بیاورید!

Lie down on the examining table. لطفاً روی تخت دراز بکشید!

Your blood pressure is okay. فشارخون شما خوب است.

I will give you an injection. من یک آمپول برایتان می‌نویسم.

I will give you some pills. من برایتان قرص می‌نویسم.

I am giving you a prescription for the pharmacy. من یک نسخه برای داروخانه به شما می‌دهم.





58 [پنجاه و هشت]

اعضای بدن



58 [fifty-eight]

Parts of the body

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

I am drawing a man. من یک مرد می‌کشم.

First the head. اول سر

The man is wearing a hat. این مرد یک کلاه بر سر دارد.

One cannot see the hair. موها را نمی‌بینید.

One cannot see the ears either. گوشها را هم نمی‌بینید.

One cannot see his back either. کمر را هم نمی‌بینید.

I am drawing the eyes and the mouth. من چشم‌ها و دهان را می‌کشم.

The man is dancing and laughing. آن مرد می‌رقصد و می‌خندد.

The man has a long nose. آن مرد بینی درازی دارد.

He is carrying a cane in his hands. او یک عصا در دستهایش دارد.

He is also wearing a scarf around his neck. او یک شال گردن هم دور گردنش دارد.

It is winter and it is cold. زمستان است و هوا سرد است.

The arms are athletic. بازوها قوی هستند.

The legs are also athletic. پاها هم قوی هستند.

The man is made of snow. این مرد از برف درست شده است.

He is neither wearing pants nor a coat. او شلوار یا پالتو نیوشیده است.

But the man is not freezing. (نمی‌لرزد). اما سردش نیست.

He is a snowman. او یک آدم برفی است.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Where is the nearest post office? نزدیکترین پستخانه کجاست؟ ▶

Is the post office far from here? آیا پستخانه خیلی راه است؟ ▶

Where is the nearest mail box? نزدیکترین صندوق پست کجاست؟ ▶

I need a couple of stamps. من تعدادی تمپر لازم دارم. ▶

For a card and a letter. برای یک کارت پستال و یک نامه. ▶

How much is the postage to America? هزینه ارسال به آمریکا چقدر است؟ ▶

How heavy is the package? وزن بسته چقدر است؟ ▶

Can I send it by air mail? می‌توانم آن را با پست هوایی ارسال کنم؟ ▶

How long will it take to get there? چقدر طول می‌کشد تا بسته به مقصد برسد؟ ▶

Where can I make a call? کجا می‌توانم تلفن بزنم؟ ▶

Where is the nearest telephone booth? نزدیکترین باجه تلفن کجاست؟ ▶

Do you have calling cards? کارت تلفن دارید؟ ▶

Do you have a telephone directory? دفترچه تلفن دارید؟ ▶

Do you know the area code for Austria? پیش شماره کشور اتریش را می‌دانید؟ ▶

One moment, I'll look it up. یک لحظه، نگاه می‌کنم. ▶

The line is always busy. تلفن همیشه اشغال است. ▶

Which number did you dial? چه شماره ای را گرفتید؟ ▶

You have to dial a zero first! اول باید صفر را بگیرید. ▶



60 [شصت]

در بانک

60 [sixty]

At the bank

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I would like to open an account. می‌خواهم حساب باز کنم.

Here is my passport. این پاسپورت من است.

And here is my address. و این آدرس من است.

I want to deposit money in my account. می‌خواهم پول به حسابم واریز کنم.

I want to withdraw money from my account. می‌خواهم از حسابم پول برداشت کنم.

I want to pick up the bank statements. می‌خواهم موجودی حسابم را بگیرم.

I want to cash a traveller's cheque / traveler's check (am.). می‌خواهم یک چک مسافرتی را نقد کنم.

What are the fees? مبلغ کارمزد چقدر است؟

Where should I sign? کجا را باید امضا کنم؟

I'm expecting a transfer from Germany. من منتظر یک حواله بانکی از آلمان هستم.

Here is my account number. این شماره حسابم است.

Has the money arrived? پول رسیده است؟

I want to change money. می‌خواهم این پول را به ارز دیگری تبدیل کنم.

I need US-Dollars. من دلار آمریکا لازم دارم.

Could you please give me small notes / bills (am.)? لطفاً اسکناس‌های ریز به من بدهید.

Is there a cashpoint / an ATM (am.)? آیا اینجا دستگاه عابر بانک دارد؟

How much money can one withdraw? چقدر پول می‌شود برداشت کرد؟

Which credit cards can one use? از چه کارت‌های اعتباری می‌شود استفاده کرد؟



61 [شصت و یک]

اعداد ترتیبی



61 [sixty-one]

Ordinal numbers

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

The first month is January. اولین ماه ژانویه است.

The second month is February. دومین ماه فوریه است.

The third month is March. سومین ماه مارس است.

The fourth month is April. چهارمین ماه آوریل است.

The fifth month is May. پنجمین ماه می است.

The sixth month is June. ششمین ماه ژوئن است.

Six months make half a year. هر شش ماه، نیم سال است.

January, February, March, ژانویه، فوریه، مارس،

April, May and June. آوریل، می، ژوئن.

The seventh month is July. ماه هفتم ژوئیه است.

The eighth month is August. ماه هشتم آگوست است.

The ninth month is September. ماه نهم سپتامبر است.

The tenth month is October. ماه دهم اکتبر است.

The eleventh month is November. ماه یازدهم نوامبر است.

The twelfth month is December. ماه دوازدهم دسامبر است.

Twelve months make a year. هر دوازده ماه، یک سال است.

July, August, September, ژوئیه، آگوست، سپتامبر،

October, November and December. اکتبر، نوامبر، دسامبر.

62 [شصت و دو]

سؤال کردن 1



62 [sixty-two]

Asking questions 1

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

to learn یاد گرفتن، درس خواندن

Do the students learn a lot? دانش آموزان زیاد درس می خوانند؟

No, they learn a little. نه، آنها زیاد درس نمی خوانند.

to ask سؤال کردن

Do you often ask the teacher questions? شما از معلم زیاد سؤال می کنید؟

No, I don't ask him questions often. نه، من از او (مرد) زیاد سؤال نمی کنم.

to reply جواب دادن

Please reply. لطفاً جواب دهید.

I reply. من جواب می دهم.

to work کار کردن

Is he working right now? او (مرد) الان کار می کند؟

Yes, he is working right now. بله، او (مرد) الان کار می کند.

to come آمدن

Are you coming? شما می آید؟

Yes, we are coming soon. بله، ما الان می آییم.

to live زندگی (اقامت) کردن

Do you live in Berlin? شما در برلین زندگی می کنید؟

Yes, I live in Berlin. بله من در برلین زندگی می کنم.

63 [تصنّف و سه]

سؤال کردن 2



63 [sixty-three]

Asking questions 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I have a hobby. من یک سرگرمی (کار تفریحی) دارم.

I play tennis. من تنیس بازی می‌کنم.

Where is the tennis court? زمین تنیس کجاست؟

Do you have a hobby? آیا تو یک سرگرمی (کار تفریحی) داری؟

I play football / soccer (am.). من فوتبال بازی می‌کنم.

Where is the football / soccer (am.) field? زمین فوتبال کجاست؟

My arm hurts. بازویم درد می‌کند.

My foot and hand also hurt. دست و پایم هم درد می‌کنند.

Is there a doctor? دکتر کجاست؟

I have a car / an automobile. من یک خودرو دارم.

I also have a motorcycle. من یک موتورسیکلت هم دارم.

Where could I park? پارکینگ کجاست؟

I have a sweater. من یک پلور دارم.

I also have a jacket and a pair of jeans. من یک کاپشن و یک شلوار جین هم دارم.

Where is the washing machine? ماشین لباس شویی کجاست؟

I have a plate. من یک بشقاب دارم.

I have a knife, a fork and a spoon. من یک کارد، یک چنگال و یک قاشق دارم.

Where is the salt and pepper? نمک و فلفل کجاست؟



64 [تصت و چهار]

منفی کردن 1



64 [sixty-four] ▶

Negation 1 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

I don't understand the word. من این کلمه را نمی‌فهمم. ▶

I don't understand the sentence. من این جمله را نمی‌فهمم. ▶

I don't understand the meaning. من معنی آن را نمی‌فهمم. ▶

the teacher معلم ▶

Do you understand the teacher? حرف معلم را می‌فهمید؟ ▶

Yes, I understand him well. بله، من حرف او (مرد) را خوب می‌فهمم. ▶

the teacher خاتم معلم ▶

Do you understand the teacher? حرف خاتم معلم را می‌فهمید؟ ▶

Yes, I understand her well. بله، حرف او (زن) را می‌فهمم. ▶

the people مردم ▶

Do you understand the people? حرفهای مردم را می‌فهمید؟ ▶

No, I don't understand them so well. نه، حرفهای آنها را زیاد خوب نمی‌فهمم. ▶

the girlfriend دوست دختر ▶

Do you have a girlfriend? دوست دختر دارید؟ ▶

Yes, I do. بله، دارم. ▶

the daughter دختر (فرزند) ▶

Do you have a daughter? شما دختر دارید؟ ▶

No, I don't. نه، ندارم. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

Is the ring expensive? این حلقه گران است؟ ▶

No, it costs only one hundred Euros. نه، قیمت این حلقه فقط صد یورو است. ▶

But I have only fifty. اما من فقط پنجاه یورو دارم. ▶

Are you finished? تو کارت تمام شد؟ ▶

No, not yet. نه، هنوز نه. ▶

But I'll be finished soon. اما چند لحظه ی دیگر تمام می شود. ▶

Do you want some more soup? باز هم سوپ می خوای؟ ▶

No, I don't want anymore. نه، دیگر نمی خواهم. ▶

But another ice cream. اما یک بستنی می خواهم. ▶

Have you lived here long? خیلی وقت است که اینجا زندگی می کنی؟ ▶

No, only for a month. نه، تازه یک ماه است. ▶

But I already know a lot of people. اما با خیلی از مردم آشنا شدم. ▶

Are you driving home tomorrow? فردا می روی (با ماشین) خاته؟ ▶

No, only on the weekend. نه، آخر هفته می روم. ▶

But I will be back on Sunday. اما من یکشنبه بر می گردم. ▶

Is your daughter an adult? دختر تو بزرگ شده است؟ ▶

No, she is only seventeen. نه، او تازه هفده سالش است. ▶

But she already has a boyfriend. اما او الان یک دوست پسر دارد. ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ یا کلیک بر روی متن

my – I من – مال من ▶

I can't find my key. من کلیدم را پیدا نمی‌کنم. ▶

I can't find my ticket. من بلیط اتوبوسم را پیدا نمی‌کنم. ▶

you – your تو – مال تو ▶

Have you found your key? کلیدت را پیدا کردی؟ ▶

Have you found your ticket? بلیط اتوبوست را پیدا کردی؟ ▶

he – his او (مرد) – مال او ▶

Do you know where his key is? می‌دانی کلید او کجاست؟ ▶

Do you know where his ticket is? می‌دانی بلیط اتوبوست کجاست؟ ▶

she – her او (زن) – مال او ▶

Her money is gone. پولش گم شده است. ▶

And her credit card is also gone. و کارت اعتباریش هم گم شده است. ▶

we – our ما – مال ما ▶

Our grandfather is ill. پدربزرگمان مریض است. ▶

Our grandmother is healthy. مادربزرگمان سالم است. ▶

you – your شما (جمع) – مال شما ▶

Children, where is your father? بچه‌ها، پدرتان کجاست؟ ▶

Children, where is your mother? بچه‌ها، مادرتان کجاست؟ ▶





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

the glasses عینک

He has forgotten his glasses. او (مرد) عینکش را فراموش کرده است.

Where has he left his glasses? عینکش کجاست؟

the clock ساعت

His clock isn't working. ساعت او (مرد) خراب است.

The clock hangs on the wall. ساعت به دیوار آویزان است.

the passport پاسپورت

He has lost his passport. او (مرد) پاسپورتش را گم کرده است.

Where is his passport then? پس پاسپورتش کجاست؟

they – their آنها مال آنها

The children cannot find their parents. بچه‌ها نمی‌توانند والدین خود را پیدا کنند.

Here come their parents! اما آنها می‌آیند، دارند می‌آیند!

you – your شما (مخاطب مرد) – مال شما

How was your trip, Mr. Miller? آقای مولر، مسافرتتان چگونه بود؟

Where is your wife, Mr. Miller? همسرتان کجا هستند؟

you – your شما (مخاطب مؤنث) – مال شما

How was your trip, Mrs. Smith? خانم اسمیت، سفرتان چطور بود؟

Where is your husband, Mrs. Smith? شوهرتان کجا هستند؟

68 [شصت و هشت]

بزرگ - کوچک



68 [sixty-eight]

big - small

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

big and small بزرگ و کوچک

The elephant is big. فیل بزرگ است.

The mouse is small. موش کوچک است.

dark and bright تاریک و روشن

The night is dark. شب تاریک است.

The day is bright. روز روشن است.

old and young پیر و جوان

Our grandfather is very old. پدربزرگمان خیلی پیر است.

70 years ago he was still young. 70 سال پیش او هم جوان بود.

beautiful and ugly زیبا و زشت

The butterfly is beautiful. پروانه زیباست.

The spider is ugly. عنکبوت زشت است.

fat and thin چاق و لاغر

A woman who weighs a hundred kilos is fat. یک زن به وزن 100 کیلو، چاق است.

A man who weighs fifty kilos is thin. یک مرد به وزن 50 کیلو، لاغر است.

expensive and cheap گران و ارزان

The car is expensive. اتومبیل گران است.

The newspaper is cheap. روزنامه ارزان است.



◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

I need a bed. من یک تخت خواب لازم دارم.

I want to sleep. من می‌خواهم بخوابم.

Is there a bed here? اینجا تخت خواب هست؟

I need a lamp. من چراغ (مطالعه) لازم دارم.

I want to read. من می‌خواهم مطالعه کنم.

Is there a lamp here? اینجا چراغ (مطالعه) هست؟

I need a telephone. من تلفن لازم دارم.

I want to make a call. من می‌خواهم تلفن کنم.

Is there a telephone here? اینجا تلفن هست؟

I need a camera. من یک دوربین لازم دارم.

I want to take photographs. من می‌خواهم عکاسی کنم.

Is there a camera here? اینجا دوربین هست؟

I need a computer. من یک کامپیوتر لازم دارم.

I want to send an email. من می‌خواهم یک ایمیل (پست الکترونیک) بفرستم.

Is there a computer here? اینجا کامپیوتر هست؟

I need a pen. من یک خودکار لازم دارم.

I want to write something. من می‌خواهم چیزی بنویسم.

Is there a sheet of paper and a pen here? اینجا یک ورق و خودکار هست؟





70 [هفتاد]

چیزی خواستن

70 [seventy]

to like something

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Would you like to smoke? می خواهید سیگار بکشید؟ ▶

Would you like to dance? می خواهید برقصید؟ ▶

Would you like to go for a walk? می خواهید پیاده روی کنید؟ ▶

I would like to smoke. من می خواهم سیگار بکشم. ▶

Would you like a cigarette? یک نخ سیگار می خواهی؟ ▶

He wants a light. او آتش (فندک) می خواهد. ▶

I want to drink something. من می خواهم چیزی بنوشم. ▶

I want to eat something. من می خواهم چیزی بخورم. ▶

I want to relax a little. من می خواهم کمی استراحت کنم. ▶

I want to ask you something. من می خواهم از شما چیزی بپرسم. ▶

I want to ask you for something. من می خواهم از شما تقاضای چیزی کنم. ▶

I want to treat you to something. من می خواهم شما را به چیزی دعوت کنم. ▶

What would you like? شما چی می خواهید (چی میل دارید)؟ ▶

Would you like a coffee? یک قهوه می خواهید؟ ▶

Or do you prefer a tea? یا اینکه ترجیحاً یک چای می خواهید؟ ▶

We want to drive home. ما می خواهیم با ماشین به خانه برویم. ▶

Do you want a taxi? شما تاکسی می خواهید؟ ▶

They want to make a call. آنها می خواهند تلفن کنند. ▶

71 [هفتاد و یک]

چیزی خواستن



71 [seventy-one]

to want something

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

What do you want to do? چه می‌خواهید؟ ▶

Do you want to play football / soccer (am.)? می‌خواهید فوتبال بازی کنید؟ ▶

Do you want to visit friends? می‌خواهید بروید دوستانتان را ببینید؟ ▶

to want خواستن ▶

I don't want to arrive late. من نمی‌خواهم دیر برسم. ▶

I don't want to go there. من نمی‌خواهم آنجا بروم. ▶

I want to go home. من می‌خواهم به خانه بروم. ▶

I want to stay at home. من می‌خواهم در خانه بمانم. ▶

I want to be alone. من می‌خواهم تنها باشم. ▶

Do you want to stay here? می‌خواهی اینجا بمانی؟ ▶

Do you want to eat here? می‌خواهی اینجا غذا بخوری؟ ▶

Do you want to sleep here? می‌خواهی اینجا بخوابی؟ ▶

Do you want to leave tomorrow? می‌خواهید فردا راه بیفتید (با ماشین)؟ ▶

Do you want to stay till tomorrow? می‌خواهید تا فردا بمانید؟ ▶

Do you want to pay the bill only tomorrow? می‌خواهید صورت حساب را فردا پرداخت نمایید؟ ▶

Do you want to go to the disco? می‌خواهید به دیسکو بروید؟ ▶

Do you want to go to the cinema? می‌خواهید به سینما بروید؟ ▶

Do you want to go to a café? می‌خواهید به کافه بروید؟ ▶

72 [هفتادودو]

باید کاری را انجام دادن



72 [seventy-two]

to have to do something / must

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

must بایستن

I must post the letter. من باید نامه را بفرستم.

I must pay the hotel. من باید پول هتل را پرداخت کنم.

You must get up early. تو باید زود از خواب ببلند شوی.

You must work a lot. تو باید خیلی کار کنی.

You must be punctual. تو باید وقت شناس باشی.

He must fuel / get petrol / get gas (am.). او باید بنزین بزند (در باگ بنزین بریزد).

He must repair the car. او باید ماشین را تعمیر کند.

He must wash the car. او باید ماشین را بشوید.

She must shop. او (مونت) باید خرید کند.

She must clean the apartment. او (مونت) باید آپارتمان را تمیز کند.

She must wash the clothes. او (مونت) باید لباسها را بشوید.

We must go to school at once. ما باید چند لحظه ی دیگر به مدرسه برویم.

We must go to work at once. ما باید چند لحظه ی دیگر سر کار برویم.

We must go to the doctor at once. ما باید چند لحظه ی دیگر پیش دکتر برویم.

You must wait for the bus. شما باید منتظر اتوبوس باشید.

You must wait for the train. شما باید منتظر قطار باشید.

You must wait for the taxi. شما باید منتظر تاکسی باشید.





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Are you already allowed to drive? تو اجازه داری رانندگی کنی؟ ▶

Are you already allowed to drink alcohol? تو اجازه داری الکل بنوشی؟ ▶

Are you already allowed to travel abroad alone? تو اجازه داری تنها به خارج سفر کنی؟ ▶

may / to be allowed اجازه داشتن ▶

May we smoke here? اجازه هست اینجا سیگار بکشیم؟ ▶

Is smoking allowed here? اینجا سیگار کشیدن مجاز است؟ ▶

May one pay by credit card? می‌شود با کارت اعتباری پرداخت کرد؟ ▶

May one pay by cheque / check (am.)? می‌شود با چک پرداخت کرد؟ ▶

May one only pay in cash? می‌شود فقط نقد پرداخت کرد؟ ▶

May I just make a call? می‌توانم یک لحظه تلفن بزنم؟ ▶

May I just ask something? می‌توانم یک لحظه چیزی بپرسم؟ ▶

May I just say something? می‌توانم یک لحظه چیزی بگویم؟ ▶

He is not allowed to sleep in the park. او (مرد) اجازه ندارد در پارک بخوابد. ▶

He is not allowed to sleep in the car. او (مرد) اجازه ندارد در خودرو بخوابد. ▶

He is not allowed to sleep at the train station. او (مرد) اجازه ندارد در ایستگاه قطار بخوابد. ▶

May we take a seat? اجازه داریم بنشینیم؟ ▶

May we have the menu? می‌توانیم لیست غذا را داشته باشیم؟ ▶

May we pay separately? می‌توانیم جدا پرداخت کنیم؟ ▶

74 [هفتاد و چهار]

خواهش کردن در مورد چیزی



74 [seventy-four]

asking for something

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Can you cut my hair? امکان دارد موهای مرا کوتاه کنید؟ ▶

Not too short, please. لطفاً خیلی کوتاه نشود. ▶

A bit shorter, please. لطفاً کمی کوتاهتر. ▶

Can you develop the pictures? ممکن است این عکسها را ظاهر کنید؟ ▶

The pictures are on the CD. عکسها روی سی دی هستند. ▶

The pictures are in the camera. عکس ها روی دوربین هستند. ▶

Can you fix the clock? می‌توانید این ساعت را تعمیر کنید؟ ▶

The glass is broken. شیشه شکسته است. ▶

The battery is dead / empty. باتری خالی است. ▶

Can you iron the shirt? ممکن است این پیراهن را اتو کنید؟ ▶

Can you clean the pants / trousers? ممکن است این شلوار را تمیز کنید؟ ▶

Can you fix the shoes? ممکن است این کفش را تعمیر کنید؟ ▶

Do you have a light? ممکن است به من یک فندک (آتش) بدهید؟ ▶

Do you have a match or a lighter? شما کبریت یا فندک دارید؟ ▶

Do you have an ashtray? شما زیرسیگاری دارید؟ ▶

Do you smoke cigars? شما سیگار برگ می‌کشید؟ ▶

Do you smoke cigarettes? شما سیگار می‌کشید؟ ▶

Do you smoke a pipe? شما پیپ می‌کشید؟ ▶



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Why aren't you coming? چرا شما نمی آید؟

The weather is so bad. هوا خیلی بد است.

I am not coming because the weather is so bad. من نمی آیم چون هوا خیلی بد است.

Why isn't he coming? چرا او (مرد) نمی آید؟

He isn't invited. او (مرد) را دعوت نکرده اند.

He isn't coming because he isn't invited. او نمی آید چون او را دعوت نکرده اند.

Why aren't you coming? چرا تو نمی آیی؟

I have no time. من وقت ندارم.

I am not coming because I have no time. من نمی آیم چون وقت ندارم.

Why don't you stay? چرا تو نمی مانی؟

I still have to work. من هنوز کار دارم.

I am not staying because I still have to work. من نمی مانم چون هنوز کار دارم.

Why are you going already? چرا حالا می روید؟

I am tired. من خسته هستم.

I'm going because I'm tired. من می روم چون خسته هستم.

Why are you going already? چرا حالا (با ماستین) می روید؟

It is already late. دیگر دیر شده است.

I'm going because it is already late. من می روم چون دیگر دیر شده است.



76 [هفتاد و شش]

دلیل آوردن برای چیزی 2



76 [seventy-six]

giving reasons 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Why didn't you come? چرا تو نیامدی؟

I was ill. من مریض بودم.

I didn't come because I was ill. من نیامدم چون مریض بودم.

Why didn't she come? چرا او (زن) نیامد؟

She was tired. او (زن) خسته بود.

She didn't come because she was tired. او (زن) نیامد چون خسته بود.

Why didn't he come? چرا او (مرد) نیامد؟

He wasn't interested. او (مرد) علاقه نداشت.

He didn't come because he wasn't interested. او (مرد) نیامد چون علاقه نداشت.

Why didn't you come? چرا شما نیامدید؟

Our car is damaged. خودروی ما خراب است.

We didn't come because our car is damaged. ما نیامدیم چون خودروی ما خراب است.

Why didn't the people come? چرا مردم نیامدند؟

They missed the train. آنها به قطار نرسیدند.

They didn't come because they missed the train. آنها نیامدند چون به قطار نرسیدند.

Why didn't you come? چرا تو نیامدی؟

I was not allowed to. اجازه نداشتم.

I didn't come because I was not allowed to. من نیامدم چون اجازه نداشتم.



◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Why aren't you eating the cake? چرا کیک را نمی‌خورید؟

I must lose weight. من باید وزن کم کنم.

I'm not eating it because I must lose weight. من نمی‌خورم چون باید وزن کم کنم.

Why aren't you drinking the beer? چرا آبجو را نمی‌نوشید؟

I have to drive. چون باید رانندگی کنم.

I'm not drinking it because I have to drive. من نمی‌نوشم چون باید رانندگی کنم.

Why aren't you drinking the coffee? چرا قهوه را نمی‌نوشی؟

It is cold. سرد شده است.

I'm not drinking it because it is cold. من قهوه را نمی‌نوشم چون سرد شده است.

Why aren't you drinking the tea? چرا چای را نمی‌نوشی؟

I have no sugar. من شکر ندارم.

I'm not drinking it because I don't have any sugar. من چای را نمی‌نوشم چون شکر ندارم.

Why aren't you eating the soup? چرا سوپ را نمی‌خورید؟

I didn't order it. من سوپ سفارش نداده‌ام.

I'm not eating it because I didn't order it. من سوپ نمی‌خورم چون آن را سفارش نداده‌ام.

Why don't you eat the meat? چرا شما گوشت را نمی‌خورید؟

I am a vegetarian. من گیاه‌خوار هستم.

I'm not eating it because I am a vegetarian. من گوشت را نمی‌خورم چون گیاه‌خوار هستم.

78 [هفتاد و هشت]

صفت ها 1



78 [seventy-eight] ▶

Adjectives 1 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

an old lady یک خانم پیر ▶

a fat lady یک خانم چاق ▶

a curious lady یک خانم فضول (کنجکاو) ▶

a new car یک خودروی نو ▶

a fast car یک خودروی پرسرعت ▶

a comfortable car یک خودروی راحت ▶

a blue dress یک لباس آبی ▶

a red dress یک لباس قرمز ▶

a green dress یک لباس سبز ▶

a black bag یک کیف سیاه ▶

a brown bag یک کیف قهوه ای ▶

a white bag یک کیف سفید ▶

nice people مردم مهربان ▶

polite people مردم با ادب ▶

interesting people مردم جالب ▶

loving children بچه‌های نازنین (دوست داشتنی) ▶

cheeky children بچه‌های بی ادب (پررو) ▶

well behaved children بچه‌های خوب و مؤدب ▶



79 [هفتاد و نه]

صفت ها 2



79 [seventy-nine] ▶

Adjectives 2 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

I am wearing a blue dress. من لباس آبی به تن دارم.

I am wearing a red dress. من لباس قرمز به تن دارم.

I am wearing a green dress. من لباس سبز به تن دارم.

I'm buying a black bag. من یک کیف سیاه می‌خرم.

I'm buying a brown bag. من یک کیف قهوه ای می‌خرم.

I'm buying a white bag. من یک کیف سفید می‌خرم.

I need a new car. من یک خودروی جدید لازم دارم.

I need a fast car. من یک خودروی پرسرعت لازم دارم.

I need a comfortable car. من یک خودروی راحت لازم دارم.

An old lady lives at the top. آن بالا یک خانم پیر زندگی می‌کند.

A fat lady lives at the top. آن بالا یک خانم چاق زندگی می‌کند.

A curious lady lives below. آن پایین یک خانم فضول زندگی می‌کند.

Our guests were nice people. مهمان های ما آدم های مهربانی (خوبی) بودند.

Our guests were polite people. مهمان های ما آدم های مودبی بودند.

Our guests were interesting people. مهمان های ما آدم های جالبی بودند.

I have lovely children. من بچه‌های نازنینی دارم.

But the neighbours have naughty children. اما همسایه‌ها بچه‌های بی ادبی دارند.

Are your children well behaved? بچه‌های شما با ادب هستند؟

80 [هشتاد]

صفت ها 3



80 [eighty]

Adjectives 3

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

She has a dog. او (زن) یک سگ دارد.

The dog is big. سگ بزرگ است.

She has a big dog. او (زن) یک سگ بزرگ دارد.

She has a house. او یک خانه دارد.

The house is small. خانه کوچک است.

She has a small house. او (زن) یک خانه ی کوچک دارد.

He is staying in a hotel. او (مرد) در هتل زندگی می کند.

The hotel is cheap. هتل ارزان است.

He is staying in a cheap hotel. او در یک هتل ارزان اقامت دارد.

He has a car. او یک خودرو دارد.

The car is expensive. خودرو گران است.

He has an expensive car. او یک خودروی گران دارد.

He reads a novel. او (مرد) یک رمان می خواند.

The novel is boring. رمان خسته کننده است.

He is reading a boring novel. او (مرد) یک رمان خسته کننده می خواند.

She is watching a movie. او (زن) یک فیلم تماشا می کند.

The movie is exciting. فیلم مهیج است.

She is watching an exciting movie. او (زن) یک فیلم مهیج تماشا می کند.

81 [هشتاد و یک]

زمان گذشته 1



81 [eighty-one]

Past tense 1

◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

to write نوشتن

He wrote a letter. او (مرد) یک نامه نوشت.

And she wrote a card. و او (زن) یک کارت پستال نوشت.

to read خواندن

He read a magazine. او (مرد) یک مجله خواند.

And she read a book. و او (زن) یک کتاب خواند.

to take گرفتن

He took a cigarette. او (مرد) یک سیگار برداشت.

She took a piece of chocolate. او (زن) یک تکه شکلات برداشت.

He was disloyal, but she was loyal. او (مرد) بی وفا بود، اما او (زن) با وفا بود.

He was lazy, but she was hard-working. او (مرد) تنبل بود، اما او (زن) کتاری بود.

He was poor, but she was rich. او (مرد) فقیر بود، اما او (زن) ثروتمند بود.

He had no money, only debts. او (مرد) پول نداشت، بلکه بدهکار بود.

He had no luck, only bad luck. او (مرد) شانس نداشت، بلکه بد شانس بود.

He had no success, only failure. او (مرد) موفق نبود، بلکه شکست خورد.

He was not satisfied, but dissatisfied. او (مرد) راضی نبود، بلکه ناراضی بود.

He was not happy, but sad. او (مرد) خوشحال نبود، بلکه ناراحت بود.

He was not friendly, but unfriendly. او (مرد) دوست داشتنی نبود، بلکه ناهوشتاپند بود.



82 [هشتاد و دو]

زمان گذشته 2



82 [eighty-two]

Past tense 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

D-y-h-t-a-a-? آیا مجبور بودی یک آمبولانس صدا کنی؟ ▶

D-y-h-t-t-d-? آیا مجبور بودی پزشک را خبر کنی؟ ▶

D-y-h-t-t-p-? آیا مجبور بودی پلیس را خبر کنی؟ ▶

D-y-h-t-t-n-? I-h-i-j-n- شما شماره تلفن اش را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. ▶

D-y-h-t-a-? I-h-i-j-n- شما آدرسش را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. ▶

D-y-h-t-c-m-? I-h-i-j-n- شما نقشه شهر را دارید؟ تا الان من آن را داشتم. ▶

D-h-c-o-t-? H-c-n-c-o-t- او (مرد) سر وقت آمد؟ او (مرد) نتوانست سر وقت بیاید. ▶

D-h-f-t-w-? H-c-n-f-t-w- او (مرد) راه را پیدا کرد؟ او (مرد) نتوانست راه را پیدا کند. ▶

D-h-u-y-? H-c-n-u-m- او (مرد) حرف تو را متوجه شد؟ او (مرد) نتوانست حرف مرا بفهمد. ▶

W-c-y-n-c-o-t-? چرا تو نتوانستی به موقع بیایی؟ ▶

W-c-y-n-f-t-w-? چرا تو نتوانستی راه را پیدا کنی؟ ▶

W-c-y-n-u-h-? چرا تو نتوانستی حرف هایش را بفهمی؟ ▶

c-n-c-o-t-b-t-w-n-b- من نتوانستم بموقع بروم چون هیچ اتوبوسی حرکت نمی کرد. ▶

c-n-f-t-w-b-I-h-n-c-m- من نتوانستم راه را پیدا کنم چون نقشه شهر را نداشتم. ▶

c-n-u-h-b-t-m-w-s-l- من حرفش را نفهمیدم چون صدای آهنگ بلند بود. ▶

I-h-t-t-a-t- من مجبور بودم تاکسی سوار شوم. ▶

I-h-t-b-a-c-m- من مجبور بودم نقشه شهر بخرم. ▶

I-h-t-s-o-t-r- من مجبور بودم رادیو را خاموش کنم. ▶



83 [هشتاد و سه]

زمان گذشته 3

83 [eighty-three] ▶

Past tense 3 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

to make a call to call کردن

I made a call. من تلفن زده ام.

I was talking on the phone all the time. من تمام مدت با تلفن صحبت می کردم.

to ask سوال کردن

I asked. من سوال کرده ام.

I always asked. من همیشه سوال می کردم.

to narrate تعریف کردن

I narrated. من تعریف کرده ام.

I narrated the whole story. من تمام داستان را تعریف کرده ام/کردم.

to study یاد گرفتن

I studied. من یاد گرفته ام.

I studied the whole evening. من تمام شب مشغول یادگیری بودم.

to work کار کردن

I worked. من کار کرده ام.

I worked all day long. من تمام روز کار می کردم.

to eat غذا خوردن

I ate. من غذا خورده ام.

I ate all the food. من تمام غذا را خوردم.



84 [هشتاد و چهار]

زمان گذشته 4

84 [eighty-four] ▶

Past tense 4 ▶

▶ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

to read خواندن

I read. من خوانده ام.

I read the whole novel. من تمام رمان را خوانده ام.

to understand فهمیدن

I understood. من فهمیده ام.

I understood the whole text. من تمام متن را فهمیده ام/فهمیدم.

to answer پاسخ دادن

I answered. من پاسخ داده ام.

I answered all the questions. من به تمامی سوالات پاسخ داده ام.

I know that – I knew that. من آن را می دانم – من آن را می دانستم.

I write that – I wrote that. من آن را می نویسم – من آن را نوشتم.

I hear that – I heard that. من آن را می شنوم – من آن را شنیده ام.

I'll get it – I got it. من آن را می گیرم – من آن را گرفته ام.

I'll bring that – I brought that. من آن را می آورم – من آن را آورده ام.

I'll buy that – I bought that. من آن را می خرم – من آن را خریده ام.

I expect that – I expected that. من منتظر آن هستم – من منتظر آن بوده ام.

I'll explain that – I explained that. من آن را توضیح می دهم – من آن را توضیح داده ام.

I know that – I knew that. من آن را می شناسم – من آن را می شناختم.





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

How much did you drink? شما چقدر نوشیده اید؟ ▶

How much did you work? شما چقدر کار کرده اید؟ ▶

How much did you write? شما چقدر نوشته اید؟ ▶

How did you sleep? شما چطور خوابیدید؟ ▶

How did you pass the exam? شما چطور در امتحان قبول شدید؟ ▶

How did you find the way? شما چطور راه را پیدا کردید؟ ▶

Who did you speak to? شما با کی صحبت کرده اید؟ ▶

With whom did you make an appointment? شما با کی قرار ملاقات گذاشته اید؟ ▶

With whom did you celebrate your birthday? شما با کی جشن تولد گرفته اید؟ ▶

Where were you? کجا بودید؟ ▶

Where did you live? کجا زندگی می کردید؟ ▶

Where did you work? کجا کار می کردید؟ ▶

What did you suggest? چه توصیه ای داشتید؟ ▶

What did you eat? شما چی خورده اید؟ ▶

What did you come to know? چی فهمیدید؟ ▶

How fast did you drive? با چه سرعتی رانندگی می کردید؟ ▶

How long did you fly? چه مدت پرواز کرده اید؟ ▶

How high did you jump? تا چه ارتفاعی پریده اید؟ ▶

86 [هشتاد و شش]

سوال کردن- زمان گذشته 2



86 [eighty-six]

Questions – Past tense 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Which tie did you wear? تو کدام کراوات را زده بودی؟

Which car did you buy? تو کدام خودرو را خریده بودی؟

Which newspaper did you subscribe to? تو اشتراک کدام روزنامه را گرفته بودی؟

Who did you see? شما چه کسی را دیده اید؟

Who did you meet? شما با کی ملاقات کرده اید؟

Who did you recognize? شما چه کسی را شناخته اید؟

When did you get up? شما کی از خواب بیدار شده اید؟

When did you start? شما کی شروع کرده اید؟

When did you finish? شما کی کار را متوقف کرده اید؟

Why did you wake up? شما چرا بیدار شده اید؟

Why did you become a teacher? چرا شما معلم شده اید؟

Why did you take a taxi? چرا شما سوار تاکسی شده اید؟

Where did you come from? شما از کجا آمده اید؟

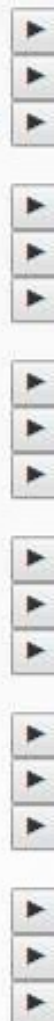
Where did you go? شما به کجا رفته اید؟

Where were you? کجا بودید؟

Who did you help? تو به کی کمک کرده ای؟

Who did you write to? تو به کی نامه نوشته ای؟

Who did you reply to? تو به کی جواب داده ای؟





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

We had to water the flowers. ما باید به گلها آب می دادیم.

We had to clean the apartment. ما باید آپارتمان را تمیز می کردیم.

We had to wash the dishes. ما باید ظرفها را می شستیم.

Did you have to pay the bill? آیا شما مجبور بودید صورت حساب را پرداخت کنید؟

Did you have to pay an entrance fee? آیا شما مجبور بودید ورودی را پرداخت کنید؟

Did you have to pay a fine? آیا شما مجبور بودید جریمه را پرداخت کنید؟

Who had to say goodbye? کی باید خداحافظی می کرد؟

Who had to go home early? کی باید زود به خانه می رفت؟

Who had to take the train? کی باید با قطار می رفت؟

We did not want to stay long. ما نمی خواستیم زیاد بمانیم.

We did not want to drink anything. ما نمی خواستیم چیزی بنوشیم.

We did not want to disturb you. ما نمی خواستیم مزاحم بشویم.

I just wanted to make a call. من فقط می خواستم تلفن کنم.

I just wanted to call a taxi. من می خواستم تاکسی سفارش بدهم.

Actually I wanted to drive home. چون می خواستم به خانه بروم.

I thought you wanted to call your wife. من فکر کردم تو می خواستی به همسرت تلفن کنی.

I thought you wanted to call information. من فکر کردم تو می خواستی به اطلاعات تلفن کنی.

I thought you wanted to order a pizza. من فکر کردم تو می خواستی پیتزا سفارش بدهی.



88 [هشتاد و هشت]

زمان گذشته ی افعال معین 2



88 [eighty-eight]

Past tense of modal verbs 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

My son did not want to play with the doll. پسر من نمی‌خواست با عروسک بازی کند.

My daughter did not want to play football / soccer (am.). دخترم نمی‌خواست فوتبال بازی کند.

My wife did not want to play chess with me. همسرم نمی‌خواست با من شطرنج بازی کند.

My children did not want to go for a walk. بچه‌هایم نمی‌خواستند به پیاده روی بروند.

They did not want to tidy the room. آنها نمی‌خواستند اتاق را مرتب کنند.

They did not want to go to bed. آنها نمی‌خواستند به رختخواب بروند.

He was not allowed to eat ice cream. او (مرد) اجازه نداشت بستنی بخورد.

He was not allowed to eat chocolate. او (مرد) اجازه نداشت شکلات بخورد.

He was not allowed to eat sweets. او (مرد) اجازه نداشت آب نبات بخورد.

I was allowed to make a wish. من اجازه داشتم (برای خودم) آرزویی بکنم.

I was allowed to buy myself a dress. من اجازه داشتم برای خودم لباس بخرم.

I was allowed to take a chocolate. من اجازه داشتم یک شکلات معزدار بردارم.

Were you allowed to smoke in the airplane? اجازه داشتی در هواپیما سیگار بکشی؟

Were you allowed to drink beer in the hospital? اجازه داشتی در بیمارستان آبجو بنوشی؟

Were you allowed to take the dog into the hotel? اجازه داشتی سگ را با خودت به هتل ببری؟

During the holidays the children were allowed to remain outside late. بچه‌ها در تعطیلات اجازه داشتند مدت زیادی بیرون باشند.

They were allowed to play in the yard for a long time. آنها اجازه داشتند مدت زیادی در حیاط بازی کنند.

They were allowed to stay up late. آنها اجازه داشتند مدت زیادی (تا دیروقت) بیدار باشند.



89 [هشتاد و نه]

امری 1



89 [eighty-nine] ▶

Imperative 1 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

You are so lazy – don't be so lazy! تو خیلی تنبلی – اینقدر تنبل نباش!

You sleep for so long – don't sleep so late! تو خیلی می‌خوابی – اینقدر نخواب!

You come home so late – don't come home so late! تو خیلی دیر می‌آیی – اینقدر دیر نیا!

You laugh so loudly – don't laugh so loudly! تو خیلی بلند می‌خندی – اینقدر بلند نخند!

You speak so softly – don't speak so softly! تو آهسته حرف می‌زنی – اینقدر آهسته حرف نزن!

You drink too much – don't drink so much! تو خیلی (مشروب) می‌نوشی – اینقدر ننوش!

You smoke too much – don't smoke so much! تو خیلی سیگار می‌کشی – اینقدر سیگار نکش!

You work too much – don't work so much! تو خیلی کار می‌کنی – اینقدر کار نکن!

You drive too fast – don't drive so fast! تو خیلی تند رانندگی می‌کنی – اینقدر تند نران!

Get up, Mr. Miller! آقای مولر، بلند شوید!

Sit down, Mr. Miller! آقای مولر، بنشینید!

Remain seated, Mr. Miller! آقای مولر، سر جای خود بنشینید!

Be patient! صبور باشید!

Take your time! از وقتتان استفاده کنید (عجله نکنید)!

Wait a moment! یک لحظه صبر کنید!

Be careful! مواظب باشید!

Be punctual! وقت شناس باشید!

Don't be stupid! احمق نباشید!

90 [نود]

امری 2



90 [ninety]

Imperative 2

نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

Shave! صورتت را بتراش (ریشت را بزن)!

Wash yourself! خودت را بشوی (تمیز کن)!

Comb your hair! موهایت را شانه بزن!

Call! تلفن کن! شما تلفن کنید!

Begin! شروع کن! شما شروع کنید!

Stop! بس کن! شما بس کنید!

Leave it! رها کن! شما رها کنید!

Say it! بگو! شما بگویید!

Buy it! بخرش! شما بخریدش!

Never be dishonest! هیچ وقت متقلب نباش!

Never be naughty! هیچ وقت گستاخ نباش!

Never be impolite! هیچ وقت بی ادب نباش!

Always be honest! همیشه صادق باش!

Always be nice! همیشه مهربان باش!

Always be polite! همیشه مؤدب باش!

Hope you arrive home safely! به سلامت به خانه برسید!

Take care of yourself! خوب مواظب خودتان باشید!

Do visit us again soon! به زودی باز به دیدن ما بیایید!



91 [نود و یک]

جملات وابسته با "که" 1



91 [ninety-one]

Subordinate clauses: that 1

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Perhaps the weather will get better tomorrow. فردا احتمالاً هوا بهتر می‌شود.

How do you know that? از کجا این موضوع را می‌دانید؟

I hope that it gets better. امیدوارم که هوا بهتر بشود.

He will definitely come. او (مرد) قطعاً می‌آید.

Are you sure? مطمئن هستی؟

I know that he'll come. من می‌دانم که او (مرد) می‌آید.

He'll definitely call. او (مرد) قطعاً تلفن می‌کند.

Really? واقعاً؟

I believe that he'll call. من فکر می‌کنم که او (مرد) تلفن می‌کند.

The wine is definitely old. این شراب حتماً قدیمی است.

Do you know that for sure? این را شما دقیقاً می‌دانید؟

I think that it is old. من احتمال می‌دهم که شراب قدیمی باشد.

Our boss is good-looking. رئیس ما خوش تیپ است.

Do you think so? نظر شما این است؟

I find him very handsome. به نظر من او خیلی خوش تیپ است.

The boss definitely has a girlfriend. رئیس حتماً یک دوست دختر دارد.

Do you really think so? واقعاً چنین فکری می‌کنید؟

It is very possible that he has a girlfriend. خیلی احتمال دارد که او دوست دختر داشته باشد.

92 [نود و دو]

جملات وابسته یا "که" 2



92 [ninety-two]

Subordinate clauses: that 2

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I'm angry that you snore. اینکه خرویف می‌کنی از یتم (ناراحتم) می‌کند.

I'm angry that you drink so much beer. اینکه اینقدر آجیو می‌نوشی از یتم (ناراحتم) می‌کند.

I'm angry that you come so late. اینکه اینقدر دیر می‌آیی از یتم (ناراحتم) می‌کند.

I think he needs a doctor. من فکر می‌کنم که او احتیاج به پزشک دارد.

I think he is ill. من فکر می‌کنم که او مریض است.

I think he is sleeping now. من فکر می‌کنم که او الان خوابیده است.

We hope that he marries our daughter. امیدواریم که او (مرد) با دختر ما ازدواج کند.

We hope that he has a lot of money. امیدواریم که او (مرد) پول زیادی داشته باشد.

We hope that he is a millionaire. امیدواریم که او (مرد) میلیونر باشد.

I heard that your wife had an accident. من شنیده‌ام که همسرت تصادف کرده است.

I heard that she is in the hospital. من شنیده‌ام که او در بیمارستان بستری است.

I heard that your car is completely wrecked. من شنیده‌ام که خودروی تو کاملاً داغان شده است.

I'm happy that you came. خوشحالم که آمدید.

I'm happy that you are interested. خوشحالم که علاقه‌مندید.

I'm happy that you want to buy the house. خوشحالم که می‌خواهید خانه را بخرید.

I'm afraid the last bus has already gone. می‌ترسم که آخرین اتوبوس رفته باشد.

I'm afraid we will have to take a taxi. می‌ترسم که مجبور شویم با تاکسی برویم.

I'm afraid I have no more money. می‌ترسم که پول همراه نداشته باشم.

93 [نود و سه]

جملات وابسته با "آیا"



93 [ninety-three]

Subordinate clauses: if

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I don't know if he loves me. | من نمی‌دانم آیا او (مرد) مرا دوست دارد.

I don't know if he'll come back. | من نمی‌دانم آیا او (مرد) بر می‌گردد.

I don't know if he'll call me. | من نمی‌دانم آیا او (مرد) به من تلفن می‌کند.

Maybe he doesn't love me? | شاید او (مرد) مرا دوست ندارد؟

Maybe he won't come back? | شاید او (مرد) برنگردد؟

Maybe he won't call me? | شاید او (مرد) به من زنگ نزند؟

I wonder if he thinks about me. | برایم سوال است که آیا او (مرد) به من فکر می‌کند.

I wonder if he has someone else. | برایم سوال است که آیا او (مرد) کس دیگری را دارد.

I wonder if he lies. | برایم سوال است که آیا او (مرد) دروغ می‌گوید.

Maybe he thinks of me? | آیا او (مرد) به من فکر می‌کند؟

Maybe he has someone else? | آیا او (مرد) فرد (زن) دیگری را دارد؟

Maybe he tells me the truth? | آیا او (مرد) واقعیت را می‌گوید؟

I doubt whether he really likes me. | من تردید دارم که آیا او (مرد) واقعاً دوست دارد.

I doubt whether he'll write to me. | من تردید دارم که آیا او (مرد) برایم نامه بنویسد.

I doubt whether he'll marry me. | من تردید دارم که آیا او (مرد) با من ازدواج می‌کند.

Does he really like me? | آیا او (مرد) واقعاً از من خوشش می‌آید؟

Will he write to me? | آیا او (مرد) برایم نامه می‌نویسد؟

Will he marry me? | آیا او (مرد) با من ازدواج می‌کند؟





◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

Wait until the rain stops. صبر کن تا باران بند بیاید.

Wait until I'm finished. صبر کن تا من کارم تمام شود.

Wait until he comes back. صبر کن تا او برگردد.

I'll wait until my hair is dry. من صبر می‌کنم تا موهایم خشک شوند.

I'll wait until the film is over. من صبر می‌کنم تا فیلم تمام شود.

I'll wait until the traffic light is green. من صبر می‌کنم تا چراغ راهنما سبز شود.

When do you go on holiday? تو کی به مسافرت می‌روی؟

Before the summer holidays? قبل از تعطیلات تابستان؟

Yes, before the summer holidays begin. بلی، قبل از اینکه تعطیلات تابستان شروع شود.

Repair the roof before the winter begins. قبل از اینکه زمستان شروع شود، سقف را تعمیر کن.

Wash your hands before you sit at the table. قبل از اینکه سر میز بنشینی، دست هایت را بشوی.

Close the window before you go out. قبل از اینکه خارج شوی، پنجره را ببند.

When will you come home? کی به خانه می‌آیی؟

After class? بعد از کلاس؟

Yes, after the class is over. بلی، بعد از اینکه کلاس تمام شد.

After he had an accident, he could not work anymore. بعد از اینکه او (مرد) تصادف کرد دیگر نتوانست کار کند.

After he had lost his job, he went to America. بعد از اینکه او (مرد) کارش را از دست داد به آمریکا رفت.

After he went to America, he became rich. بعد از اینکه او (مرد) به آمریکا رفت ثروتمند شد.

95 [نود و پنج]

حروف ربط 2



95 [ninety-five]

Conjunctions 2

◀ نشان دادن و پنهان ▼ یا کلیک بر روی متن

Since when is she no longer working? او (زن) از کی دیگر کار نمی‌کند؟

Since her marriage? از زمان ازدواجش؟

Yes, she is no longer working since she got married. بله، او از وقتی که ازدواج کرده است، دیگر کار نمی‌کند.

Since she got married, she's no longer working. او (زن) از وقتی که ازدواج کرده است دیگر کار نمی‌کند.

Since they have met each other, they are happy. آنها از وقتی که با هم آشنا شدند خوشبخت هستند.

Since they have had children, they rarely go out. آنها از وقتی بچه دار شده اند به ندرت بیرون می‌آیند.

When does she call? او (زن) کی تلفن می‌کند؟

When driving? در حین رانندگی؟

Yes, when she is driving. بله، وقتی که رانندگی می‌کند.

She calls while she drives. او (زن) ضمن رانندگی تلفن می‌کند؟

She watches TV while she irons. او ضمن اتو کردن تلویزیون تماشا می‌کند.

She listens to music while she does her work. او (زن) ضمن انجام تکالیف مدرسه موسیقی گوش می‌دهد.

I can't see anything when I don't have glasses. من موقعی که عینک نمی‌زنم هیچ چیز نمی‌بینم.

I can't understand anything when the music is so loud. من موقعی که موسیقی بلند است هیچ چیز نمی‌فهمم.

I can't smell anything when I have a cold. من موقعی که سرما خورده ام هیچ بویی را حس نمی‌کنم.

We'll take a taxi if it rains. موقعی که باران می‌بارد ما سوار تاکسی می‌شویم.

We'll travel around the world if we win the lottery. اگر در بخت آزمایی برنده شویم، به دور دنیا سفر می‌کنیم.

We'll start eating if he doesn't come soon. اگر او زود نیاید ما غذا را شروع می‌کنیم.

96 [نود و شش]

حروف ربط 3



96 [ninety-six] ▶

Conjunctions 3 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

I get up as soon as the alarm rings. من به محض اینکه ساعت زنگ بزند، بیدار می‌شوم.  
 I become tired as soon as I have to study. من به محض اینکه شروع به درس خواندن می‌کنم خسته می‌شوم.  
 I will stop working as soon as I am 60. به محض اینکه به سن 60 سالگی برسم دیگر کار نمی‌کنم.

When will you call? کی تلفن می‌کنید؟

As soon as I have a moment. به محض اینکه چند لحظه فرصت پیدا کنم.  
 He'll call, as soon as he has a little time. او (مرد) به محض اینکه فرصت پیدا کند تلفن می‌کند.

How long will you work? چه مدت شما کار خواهید کرد؟

I'll work as long as I can. تا زمانی که بتوانم، کار خواهم کرد.  
 I'll work as long as I am healthy. من تا زمانی که سالم باشم کار خواهم کرد.

He lies in bed instead of working. او (مرد) به جای اینکه کار کند در رختخواب لم داده است.

She reads the newspaper instead of cooking. او (زن) به جای اینکه غذا بپزد روزنامه می‌خواند.

He is at the bar instead of going home. او (مرد) به جای اینکه به خانه برود در بار می‌نشیند.

As far as I know, he lives here. تا آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) اینجا زندگی می‌کند.

As far as I know, his wife is ill. تا آنجا که من اطلاع دارم همسرش مریض است.

As far as I know, he is unemployed. تا آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) بیکار است.

I overslept; otherwise I'd have been on time. من خواب ماندم، وگرنه به موقع می‌رسیدم.

I missed the bus; otherwise I'd have been on time. من به اتوبوس نرسیدم وگرنه به موقع می‌رسیدم.

I didn't find the way / I got lost; otherwise I'd have been on time. من راه را پیدا نکردم (گم شدم) وگرنه به موقع می‌رسیدم.





97 [نود و هفت]

حروف ربط 4



97 [ninety-seven] ▶

Conjunctions 4 ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

He fell asleep although the TV was on. با اینکه تلویزیون روشن بود، او (مرد) خوابش برد.

He stayed a while although it was late. با اینکه دیر وقت بود، او (مرد) مدتی آنجا ماند.

He didn't come although we had made an appointment. با اینکه قرار داشتیم، او (مرد) نیامد.

The TV was on. Nevertheless, he fell asleep. تلویزیون روشن بود. با وجود این او (مرد) خوابش برد.

It was already late. Nevertheless, he stayed a while. دیر وقت بود. با وجود این او (مرد) مدتی آنجا ماند.

We had made an appointment. Nevertheless, he didn't come. ما با هم قرار ملاقات داشتیم. با وجود این او (مرد) نیامد.

Although he has no license, he drives the car. با وجود اینکه گواهی نامه ی رانندگی ندارد، رانندگی می کند.

Although the road is slippery, he drives so fast. با وجود اینکه خیابان لغزنده است، با سرعت رانندگی می کند.

Although he is drunk, he rides his bicycle. با وجود اینکه مست است، با دوچرخه می رود.

Despite having no licence / license (am.), he drives the car. او (مرد) گواهی نامه ندارد. با وجود این او (مرد) رانندگی می کند.

Despite the road being slippery, he drives fast. خیابان لغزنده است. با وجود این او (مرد) تند می راند.

Despite being drunk, he rides the bike. او (مرد) مست است. با وجود این با دوچرخه می رود.

Although she went to college, she can't find a job. با اینکه او (زن) تحصیل کرده است، کار پیدا نمی کند.

Although she is in pain, she doesn't go to the doctor. او (زن) درد دارد، به دکتر نمی رود.

Although she has no money, she buys a car. او (زن) پول ندارد، ماشین می خرد.

She went to college. Nevertheless, she can't find a job. او (زن) تحصیل کرده است. با وجود این کار پیدا نمی کند.

She is in pain. Nevertheless, she doesn't go to the doctor. او (زن) درد دارد. با وجود این پیش دکتر نمی رود.

She has no money. Nevertheless, she buys a car. او (زن) پول ندارد. با وجود این یک خودرو می خرد.

98 [نود و هشت]

حروف ربط مضاعف



98 [ninety-eight]

Double connectors

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

The journey was beautiful, but too tiring. اگرچه مسافرت خوب بود، اما خیلی خسته کننده بود.

The train was on time, but too full. اگرچه قطار سر وقت آمد، اما خیلی پر بود.

The hotel was comfortable, but too expensive. اگرچه هتل خوب و راحت بود، اما خیلی گران بود.

He'll take either the bus or the train. او (مرد) یا با اتوبوس می‌رود یا با قطار.

He'll come either this evening or tomorrow morning. او (مرد) یا امشب می‌آید یا فردا صبح.

He's going to stay either with us or in the hotel. او (مرد) یا پیش ما می‌ماند یا در هتل.

She speaks Spanish as well as English. او (زن) هم اسپانیایی صحبت می‌کند و هم انگلیسی.

She has lived in Madrid as well as in London. او هم در مادرید زندگی کرده است و هم در لندن.

She knows Spain as well as England. او هم اسپانیا را می‌شناسد و هم انگلیس را.

He is not only stupid, but also lazy. او نه تنها احمق است، بلکه تنبل هم هست.

She is not only pretty, but also intelligent. او (زن) نه تنها زیباست بلکه باهوش هم هست.

She speaks not only German, but also French. او (زن) نه تنها آلمانی، بلکه فرانسوی هم صحبت می‌کند.

I can neither play the piano nor the guitar. من نه می‌توانم پیانو بنوازم و نه گیتار.

I can neither waltz nor do the samba. من نه می‌توانم والس برقصم و نه سامبا.

I like neither opera nor ballet. من نه از آواز اپرا خوشم می‌آید و نه از رقص باله.

The faster you work, the earlier you will be finished. هر چه سریعتر کار کنی، زودتر کارت تمام می‌شود.

The earlier you come, the earlier you can go. هر چه زودتر بیایی، زودتر هم می‌توانی بروی.

The older one gets, the more complacent one gets. هر چه سن بالا می‌رود، احساس راحت طلبی بیشتر می‌شود.

99 [نود و نه]

حالت اضافه



99 [ninety-nine] ▶

Genitive ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▼ با کلیک بر روی متن

my girlfriend's cat گربه دوست دخترم

my boyfriend's dog سگ دوست پسر

my children's toys اسباب بازی بچه‌هایم

This is my colleague's overcoat. این پالتوی همکار من است.

That is my colleague's car. این خودروی همکار (زن) من است.

That is my colleagues' work. این کار همکاران من است.

The button from the shirt is gone. دکمه ی پیراهن افتاده است (گم شده است).

The garage key is gone. کلید گاراژ گم شده است.

The boss' computer is not working. کامپیوتر رئیس خراب است.

Who are the girl's parents? والدین دختر چه کسانی هستند؟

How do I get to her parents' house? چگونه به خانه ی والدین او بروم؟

The house is at the end of the road. خانه در انتهای خیابان قرار دارد.

What is the name of the capital city of Switzerland? پایتخت سوئیس چه نام دارد؟

What is the title of the book? عنوان کتاب چیست؟

What are the names of the neighbour's / neighbor's (am.) children? اسم بچه‌های همسایه چیست؟

When are the children's holidays? تعطیلات مدرسه ی بچه‌ها چه موقع است؟

What are the doctor's consultation times? ساعت ویزیت دکتر چه زمانهایی است؟

What time is the museum open? ساعت کاری موزه چه زمان هایی است؟



100 [صد]

قیدها



100 [one hundred] ▶

Adverbs ▶

◀ نشان دادن و پنهان ▶ با کلیک بر روی متن

already – not yet تا به حال – هرگز

Have you already been to Berlin? آیا تا به حال در برلین بوده اید؟

No, not yet. نه، هرگز.

someone – no one کسی – هیچکس

Do you know someone here? شما اینجا کسی را می‌شناسید؟

No, I don't know anyone here. نه، من کسی را اینجا نمی‌شناسم.

a little longer – not much longer یک کم دیگر - نه خیلی زیاد

Will you stay here a little longer? شما مدت بیشتری اینجا می‌مانید؟

No, I won't stay here much longer. نه، من خیلی زیاد اینجا نمی‌مانم.

something else – nothing else چیز دیگری - هیچ چیز دیگر

Would you like to drink something else? می‌خواهید چیز دیگری بنوشید؟

No, I don't want anything else. نه، دیگر چیزی نمی‌خواهم.

something already – nothing yet قبلاً چیزی - هنوز هیچ چیز

Have you already eaten something? شما چیزی خورده اید؟

No, I haven't eaten anything yet. نه، هنوز چیزی نخورده‌ام.

someone else – no one else کس دیگری - هیچکس دیگر

Does anyone else want a coffee? کس دیگری قهوه می‌خواهد؟

No, no one else. نه، هیچ کسی نمی‌خواهد.